

نابود باد امپریالیسم جهانی
بسزکردگی امپریالیسم امریکا
ویا بگاه د اخلیش

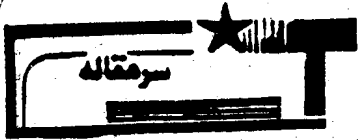
کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال ششم - شماره ۱۸۶

پنجشنبه ۲۹ آذر ماه ۱۳۶۳

صفحه ۱۸



عرفات سازمان آزادیبخش فلسطین را
به کجا میبرد؟
و چه انقلابی چه راهی در پیش دارد؟

کوششهای ماههای اخیر برای جلوگیری از يك شكاف اجتناب ناپذیر در سازمان آزادیبخش فلسطین با ناگامی روبرو گردید و آنچه تاریخاً می باید به وقوع می پیوست صورت گرفت.
واقفیت اینست که ترکیب ناهمگون و متضاد نیروهای درون سازمان آزادیبخش فلسطین به مثابه انعکاس تضادها و گرایشهای طبقاتی متفاوت در میان مردم فلسطین، اتا زمان می توانست تحت الشعاع تضاد اساسی بادشمن اصلی و خارجی یعنی صهیونیسم اشغالگر قرار گیرد که آمد او واقعی مشترک و حقیقتاً موجود بود همچون ستیزهجویی نیز در فعالیتهای روزمره آن نیروها بصورت ملموس جاری باشد. یعنی آنکه نیروها در برنانه و در عمل خود آنچنان استراتژی را دنبال کنند که چشم انداز روشنی بخش واقفیت و تحقیق آرمانهای رهائی بخش را بصورت ملموس تلقین نماید، کارگران و زحمتکشان و عموم بقیه در صفحه ۲

پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مناسبت آغاز برنامه رادیو صدای فدایی

بودجه ۶۴: افزایش تورم، رکود و بیکاری

بودجه سال ۶۴ در زمانی بمجلس ارائه شد که بحران اقتصادی - سیاسی ایحاد بسیار فزاینده است. فقر و فلاکت و صدمه زنی تو در تو تشدید شده و ناخوابگی کل جامعه را فرا گرفته و اعتراضات آشکار توده های قوس عمودی می پیماید. تناقضات

جنابعالی حاکم تشدید شده و امر وحدت در هیات عا که بمسالهای مردم و حیاتی اما غیر قابل دسترس تبدیل شده است. از هم گسیختگی اقتصادی و سیاسی و ناخوابگی توده ها بعدی رسیده است که امید امام را هم بتکا پور و بقیه در صفحه ۲

ساخت اقتصادی روستاهای ایران و قشر بندی دهقانان (۴)

تشکیل می داد و بر جامعه مسلط شد. بطور عده، اما اصلاحات ارضی عبارت بودند از: ۱- از میان برداشتن انواع توسعه سرمایه داری و ادغام ارگانیک سرمایه داری سرمایه مالی و ادغام ارگانیک سرمایه داری ایران در بازار جهانی سرمایه داری و بسط پایگاه داخلی امپریالیسم، ۲- از میان برداشتن زمینهای بالقوه جنبش های رهایی بخش ضد استعماری بقیه در صفحه ۷

در اوایل دهه ۱۳۳۰ رژیم حاکم دچار بحرانی شد بد شد. بحران اقتصادی - سیاسی سالهای فوق الذکر روجه غالب و اساسی تناقضات و بی تکامل دوران گذار را منعکس می نمود. لذا تغییر در ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران الزام آور بود. اما در خلاه يك جنبش انقلابی - دموکراتیک شوره ارتعاشی - بوروکراتیک تحولات که محور آنها اصلاحات ارضی امپریالیستی

در این شماره

پیام هیئت تحریریه

یادداشت های سیاسی

ضمیمه خبری

بخش نشریات سازمان در خدمت جنبش انقلابی

هر روز به نوعی برگشت های رنگارنگی می افزاید. تمامی ارگانهای سرکوب و آرای گت های ظنی و مخفی هستند و عوامل مسلح رژیم چون سگانی ولگرد بطور شبانه روزی در هر کجای و جنبه های حفره در آند و بران شکار انقلابیون را آمیگتند. در سایه حکومت بقیه در صفحه ۱۳

باید راهی رشد آگاهی توده ها و روی آوردن آنها به سازمان انقلابی و دیگر سرکوب و گسترش بیشتر روح نقش بازدارنده خود را از دست میدهد. هر چند که بشود و وظایف انقلابی به طمانند همچنان باد شوارهای بسیار بوجه است اما ابتکار انقلابی برای مقابله با آن بهترین راه گسست. رژیم

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

عرفات سازمان آزادیبخش فلسطین را به کجا میبرد؟

تودمهای تحت ستم را بشوراند، مبارزات آنها را عین انقلابی بخشد و در سطح مختلف بسوی هدف مشخص رهبری نماید. اما آیا سازمان آزادیبخش فلسطین بسا ترکیب ساختار رهبری و ضمن حقیقتی برنامه‌اش می‌توانست از عهد و چنین امر مهمی برباید؟

اگر شکست خفت بار ۱۹۶۷ ارتش‌های پوسیده و جدا از مردم وابسته به دولتهای عربی از اسرائیل در جنگ ۶ روزه لازم بود تا برای همیشه به اسطوره شایستگی یهودی‌ها و عرب در پرچم‌داری جنبش ملی انقلابی، ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی پایان دهد و بر ضرورت بسیج تودمها و رهبری انقلابی آنان در یک جنگ تمام عیار خلقی تاکید کند، اما خلاص رهبری انقلابی در جنبش فلسطین موجب آن شد تا هرگونه حمایت به‌دیربخت زحمتکشان خلقی‌های عرب از سازمانهای مختلف فلسطینی، کم‌موجودیت و اعتبار خود را بر همین عملیات فدائی و جنگ‌های پارتیزانی بودند، نتواند بدرستی ست و سود آرد شود و نهایتاً باعث قدرت‌گیری کرایشات سازشکارانه یهودی‌ها و یهودی‌ها و یهودی‌ها در رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، برغم بسیاری از دستاوردها و رنگه این جنبش از شکستی به یک شکست دیگر کشانده شود.

آخرین شکست، بعد از مقاومت تاریخی بیروت یعنی برانگنده شد ز ضعف نیروهای جریکی این جنبش در اردوگاه‌های تحت نظارت دولتهای عربی، بدنبال آن شد بد مذاکرات داخلی خائن از مجموعه تودم‌های یهودی‌های عربی که هرگز ام در بی بسط نفوذ و قومیت ارتجاعی خود در این جنبش می‌باشند، امری که سال پیش از انتخاب هیئت بارش در کوریه‌های خونین داخلی فلسطینیان در طرابلس و دره بقا بود، ثابت کرد که مجموعه ناهمگون نیروهای وابسته به طبقات مختلف جامعه فلسطینی، دیگر نمی‌توانند در زیر یک سقف سیاسی، چیزی بنا به مبارزه فعال مشترک داشته باشند. ناگفته نماند که در این میان، ارتجاع سوریه با پوشش دفاع از جناح‌های مخالف عرفات چه در سوریه و چه در داخل الفتح که خود مقله‌ای از کرایشات راست تاجب‌راشامل می‌شد و انفعال و حسی مواضع انحرافی سازمان‌هایی نظیر جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبهه دموکراتیک و بی‌سود جریان‌هایی مشکوک مانند الصاعقه و جبهه خلق فرماندهی عمومی که شاخه‌های از ارتش ضد اطلاعات سوریه در داخل جنبش فلسطین به حساب می‌آیند و همدستی میزد و روان‌سپاه یاسد آران و سازمان ارتجاعی امل یعنی شاخه حزب الله در لبنان و نیز محور ارتجاعی دیگر یعنی محور مصر،

عربستان سعودی، اردن و دیگر کشورهای متحد عرب که حامیان و مدافعین آشکار خدایان یهودی و یهودی‌ها می‌آیند، عوامل مهمی بودند که در تشدید مذاکرات موثر واقع شدند. در تیرماه خونینی که بحر آنزجار و نرت و تاسد ۵۵ در استان واقع جنبش فلسطینی را برانگیخت و انظوری که انتال عرفات، چنان زمین بس وجود آورد که وقتی عرفات در همین در کوریه‌های خونین داخل شد، بارالمرو بقا، مجبور به تسرک لبنان از راه در می‌باشد. در میان بی‌تفاوتی نسبی آثار عمومی فلسطینیان، گستاخانه بعد بد از حناک مشر پرورد و آشکارا خط مشی واقعی خود را که همانا داخل مشی بورژوازی عرب است اعلان نماید. حرکت در مسیری که پایانی جز بر سرسخت شناختن موجودیت صهیونیستی اسرائیل نخواهد داشت.

گرچه در آنزمان سایر رهبران الفتح اعلام کردند که در جریان تصمیم عرفات قسار نداشته‌اند و مسئولیت این اقدام باصطلاح خود سرانه را شوجده مشر عرفات دانسته و عده مواخذه وی را دارند، اما امروزه با انتخاب مجدد وی بعنوان رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین و ابقایش در همان مقام رهبری الفتح طی اجلاس مهم اخیر شورای ملی فلسطین، آنها در بی مانوری که در جلسات رای‌گیری صورت گرفت به روشنی ثابت شد که شورای ملی فلسطین در رهبری حرکت خواهد کرد که عرفات بعنوان مظهر سازشکاری بورژوازی فلسطین برای آنان ترسیم نموده است، بسوی یک یهودی.

عرفات بر تودم‌ها تودم‌های مردم فلسطین رنج سالها پریشانی، درد رتی و بی‌خامشایی، کشتار و تجاوز بیان آمده‌اند سوار است و به آنها برده ایجاد وطنی مستقل را می‌دهد که می‌خواهد رستخیز را از اسرائیل و آمریکا گدائی کند. عدم توانائی تمامی جریان‌های چپ انقلابی موجود در جنبش فلسطین از قبیل جبهه خلق برای آزادی فلسطین، در مسیر سازشده‌می‌عمل مستقل انقلابی تودم‌های زحمتکش چه در داخل و چه در خارج فلسطین و نیز پاره‌ای اختلافات آنها که انعکاس ترکیب طبقاتی جامعه فلسطین و برانگیزی مغرور آنان در مناطق مختلف است و در یک کلام فقد آن یک‌بند به حقیقتا انقلابی و قدرتمند در جنبش انقلابی فلسطینی، بهترین زمینه را برای عرفات پیچود آورده است تا جنبش فلسطین را با آنها دستاورد، در استان ملک اردن، فرعون مصر و سردمداران صهیونیسم و امپریالیسم قربانی کند. انرا وسیله قرار دهد تا شیخ نشین دیگری بر شیخ نشینهای عربی اضافه نماید. شاید بورژوازی فلسطین زحمت‌تیر بتواند برومبیت استثمار نیروی کار زحمتکشان فلسطین سهم‌گردد.

جنبش فلسطین پیش از هر زمان در یک اکتون در مقابل این سوال قرار ارد که آیا

از این‌همه تجربه حوسارچگونه درس خواهد گرفت. هر نیروی در درون این جنبش که خود را انقلابی و چپ میدانند در مقابل این پرسش مهم ترا خواهد داشت که چگونه می‌خواهد سهم خویش را در پیرو کشتان جنبش انقلابی از بحرانی اینگونه مزمن ادا نماید؟ باید با کرایشات سازشکارانه، رفرمیستی و رومیونیستی در درون جنبش انقلابی فلسطین تعیین تکلیف شود. باید با کرایشات انارشیستی که به شکلی دیگر ضمن طبقاتی جنبش را خدشدار میسازد و برغم رنگ و لعاب انقلابی و شور آفرینی موقت، فاقد محتوای انقلابی واری از گوهر پیگیری است مرز بندی کرد. باید کارگر و زحمتکش فلسطینی را از یهودی‌ها هد فی با سرمایه‌دار و ملاک فلسطینی رها کند و او را به منافق حقیقی خویش عیقا آگاه کرد. باید کینه کور ضد یهود را که جز واکنشی کور در برابر شی شی نیست اما عیقا طبقاتی نارنجی است که نه دین می‌شناسد و نه نژاد و رنگ، به کینه‌ای اساساً ضد سرمایه‌داری تبدیل کرد و انرا در کوره مبارزه طبقاتی گداخته و صیقل داد. جنبش انقلابی فلسطین باید همچنان بر جوهر قهر انقلابی و ضرورت تعیین تکلیف با دشمن در یک عرصه طولانی مبارزه مسلحانه تودم‌های ناگفته یهودی چپ انقلابی فلسطین باید استوار رهبری انقلابی و خستگی‌ناپذیر چنان جنگ انقلابی را تد ارك ببیند. چپ انقلابی فلسطین باید راه خود را در میان تودم‌های کارگر و زحمتکش تحت استثمار و ستم تمامی سرزمین فلسطین اعم از عرب و غیر عرب هرچه بیشتر و عمیق‌تر باز کند. برادری کارگری را در میان همه کارگرانی که توسط سرمایه‌داری نژاد، بی‌رنگ و بی‌مذهب در تمامی سرزمین اشغال شده‌اش به بند کشیده شده‌اند، ترویج و تفهیم نماید و بیوند جنبش انقلابی فلسطین را با جنبش انقلابی دیگر خلق‌های منطقه و جهان گسترش بخشد. در یک کلام نقطه اتکالی جنبش انقلابی فلسطین، باید از مراکز دولتهای عربی که خود عوامل شده‌اند تیرین ستها بر زحمتکشان خویش‌اند، به قلب کارگران و زحمتکشان در فلسطین و در کشورهای منطقه و در جهان منتقل شود. چپ انقلابی فلسطین، راهی جز آنکه بر شیرویم ندارد. راهی که ضمیمه این یا آن جنبش انقلابی در این یا آن گوشه جهان نبوده و از قانونی جهان‌شمول برمیخیزد. هیچ جنبش انقلابی نمی‌تواند به‌موردی برسد مگر آنکه توسط طبقه کارگر و حزب انقلابی که صلح به‌اید تولوزی انقلابی باشد رهبری شود.



هرچه گسترده‌تر یاد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



پیام کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت

آغاز برنامه رادیو صدای فدائی

کارگران و زحمتکشان

اعضا و هواداران سازمان!

صدای فدائی، رادیوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در شرایطی کار خود را آغاز می کند که مبارزه بی آسایش و تودمهای زحمتکش مردم ایران، علیه رژیم فوق ارتجاعی حاکم بر ایران، هرروز اشتیاق بیشتری می یابد و وظایف مردم و متحدان در برابر جنبش طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرار گرفته است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، این رژیم پاسدار نظم مستکبرانه سرمایه داری که در عرصه های مختلف اقتصادی و سیاسی با بحران زرف و زمین روبروست و پایه های نظم مستکبرانه ارتجاعی حاکم را سخت متزلزل می بیند، برای مهار کردن بومج عصبان و تظاهراتی تودمهای مردمی، توده و سرکوب خونینی را به مرحله عمل در آورده است و در پیکان توری نو روستی عریان و خشن گسیخته را برقرار ساخته است. ستم اقتصادی و سیاسی که این رژیم بر ملیونها تن از توده های مردم ایران تحمیل کرده است، و آرای آنها را ابعاد بی انتهای نظیر آنرا کمتر می توان پیدا کرد. شرایط مادی زندگی مردم، حقیقتاً سخت و شقیق بار است. سطح بسیار نازل زندگی و گرانی حیرت آور کالا های مورد نیاز زحمتکشان، سطح بسیار نازل دستمزدها، استتار هولناک کارگران و اردوی عظیمی از کارگران بیکار، فقر، گرسنگی و دهها مصیبت ارتجاعی دیگر چنان شرایط دشوار و طاقت فرسایی را به تودمهای مردم ایران تحمیل نموده است که هرگز سابقه نداشته است. این فشارهای اقتصادی با ستم و فشار سیاسی عظیمی توأم شده است. رژیمی که نه می خواهد و نه می تواند به درخواسته های برون حاد لانه زحمتکشان ایران پاسخ گوید، برای حفظ و بقای حاکمیت ننگین خویش، اختناق و سرکوب را به حد اعلا رسانده است. ابتدا این ترین حقوق مدنی و انسانی را از

تودمهای مردم سلب نموده است. حقوق و آزادیهای دموکراتیک را مطلقاً از میان برده است. دهها هزار تن از کارگران و روشنفکران انقلابی ایران را به محبوسه اندام سپرده است. اما رژیم به این فجایع بسنده نکرده است. در اثر جنگی که اکنون بهش از چهار سال مداوم ادامه یافته، دهها هزار تن از فرزندان زحمتکشان ایران را در رمده انهای جنگ بمباران و خون کشیده است. تعدد ادتکون معلول و آوار مانا بودی روز افزون بخش عظیمی از تودمهای مادی جامعه و جلومهای دیگری از سیاستهای فوق ارتجاعی رژیم اند. اما تمامی فجایع و مصائبی که این رژیم به بار آورده است، او را بیش از پیش در ضلالت بحران فرو برده و تضاد های اجتماعی را عمیق تر و حاد تر کرده است. مبارزات تودمهای مردم که زیر شدید ترین فشار های اقتصادی و سیاسی قرار گرفته اند، مد او را اعتلا و گسترش می یابد. اعتراضات گسترده کارگران، بومج وحشی که بهای و در دشتی های این رژیم پاسدار سرمایه علیه کارگران، با رزترین تجلی رشد روز افزون مبارزات تودمها است. تداوم مبارزه مسلحانه تودمهای زحمتکش مردم گرد ستان علیه رژیم نیز نخستین جرقه های این شنگ مبارزه در میان مردم بلوچستان، جرقه هایی که هر دم در اینجا و آنجا، زمانی در افسر به تهران و زمانی دیگر در احمد به دیده می شود، همگی تودم بخش انفجار قریب الوقوع خشم و عصبان سراسری تودمهاست. نشان دهنده این واقعیت است که بزودی حریق عظیم سراسر جامعه را فرا خواهد گرفت و تمامی مترجمین را در آتش خود خواهد سوخت. همه علائم موجود نشان دهنده این واقعیت است که سقوط این رژیم تبهکار و ارتجاعی قطعی است. رژیم هیچ چشم انداز و آینده ای جز سرنگونی ندارد.

در چنین شرایطی، وظایف بسیار بزرگ در برابر طبقه کارگر ایران، بهمنابه رهبر انقلاب و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بهمنابه بخش پیشاهنگ، مطهر آگاه و وجدان بهدار طبقه کارگر ایران قرار گرفته است. طبقه کارگر ایران با تمام تجارب ارزشمندی که طی چند سال اخیر از مبارزه آشکار و انقلابی خود کسب نموده است، این ملاحظه، لیاقت و شایستگی را دارد که رهبری مبارزات تودمهای مردم را در دست گیرد. انقلاب را به فرجام بپروازند و برسانند و اجازه ندهند که بیکار و بگمگرم تر متحمل امثال خمینی، بومج ناراضی تودمهای مردم سوار شوند و انقلاب را به یکجسراه بکشانند. چرا که از هم اکنون کسانی که نزدیک شدن وایزان انقلاب را احساس کرده اند، به تکاپو افتاده اند. شورای ملی مقاومت و در راس آن سازمان مجاهدین خلق که تمام برنامه های آنها نشان میدهد که خواهان همین تغییر اساسی در وضعیت موجود نیستند، به تودمهای متحد دیده و زجر کشیده از رژیم جمهوری اسلامی رخنه و پیید می دهند که بیکار دیگر جمهوری اسلامی را که البته بجای خمینی رجوی در راس آن قرار گرفته باشد، آزمایش کنند. مرکز نزدیک به ۶ سال حکومت جا برانه و مستکبرانه جمهوری اسلامی خمینی، ماهیت مستکبرانه شرکت جمهوری اسلامی را به تودمهای مردم نشان نداد؟ مکتودمهای مردم ایران، در عمل و در تجربه درک نکردند که هر حکومت مذهبی، و دشمن آزادی و دموکراسی است. رهبران مجاهدین خلق خیلی مردم را نا آگاه تصور کرده اند که فکری کنند تودمهای مردمی که اینهمه مهاشم و بدبختی های جمهوری اسلامی را لمس کرده اند، بیکار دیگر اجازه نخواهند داد که آقای رجوی هم جمهوری اسلامی

برای برقراری صلحی دموکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

را بهاد کند. خورجی توده‌های مردم ایران در پهنه‌اند که امروزه را از مودن خطا است. مگر جمهوری اسلامی آقای رجوی چه تفاوت اساسی با جمهوری اسلامی خمینی دارد؟ هیچ! رهبران مجاهدین خلق از هنگلیکه با سیر مایه‌های ایران سازش نمودند و بهارمانهای انقلابی توده‌های مردم پشت کردند، تبدیل به بد افمنین پیکار نظم ستکرانه سرمایه‌داری و بد افمنین طبقه سرمایه‌دار شدند. آنان مدافع ارتش ضد خلقی و بی‌وکر اساسی پیوسته و قاسد ایران شدند. از برجای ماندن یک حکومت مذهبی دفاع می‌کنند. از اینکه کارگران و زحمتکشان ایران قدرت سیاسی را در دست گیرند هراسی مرکب‌دار دارند. با نیروهای انقلابی ایران و قبل از همه سازمان حرکتی فدائی خلق ایران کینه و دشمنی دارند و اگر خمینی جنایتکار پس از به قدرت رسیدن، علیه نیروهای انقلابی اعلان جنگ داد. رهبران مجاهدین از هم اکنون به نیروهای انقلابی ایران اعلان جنگ دادند. رهبران مجاهدین خلق با امپریالیستها، این دشمنان سرگند خورده مردم ایران متحد شدند. امپریالیستها بیام حمایت و پشتیبانی برای آنها فرستید آقای رجوی به دستنویس آنها می‌برد. آیا در چنین شرایطی، وعده بهشت برین دادن به مردم از سوی رهبران مجاهدین خلق، دروغ و فریب نیست؟ آیا این همان وعده‌های خمینی نیست؟ آیا اینان نیزم، خواهند یکبار دیگر بی‌موج ناراضی توده‌ها می‌شوند و دوباره انقلاب را بکجراه بکشند؟ پاسخ مثبت است.

طبقه کارگر ایران باید در برابر تمامی خدعه‌ها و فریب‌ها، جنایت‌ها و دهنده‌ها همسازانه ایستادگی کند. پرچم سرخ انقلاب را در پیشانی‌های تمام توده‌های زحمتکش راهتزاز نگه‌دارد و آنها را بسوی پیروزی قطعی رهبری کند. در این شرایط وظایفی به مراتب سنگین‌تر بر دوش تمامی اعضا و هواداران سازمان قرار دارد.

اعضا و هواداران سازمان باید بر تالیف‌های مستتر خود برای متزلزل کردن و آگاه نمودن طبقه کارگر ایران بر رهبری مبارزه انقلابی بیفزایند. تمامی رفاقا باید قبل از هر چیز در جهت تشکک و آگاهی روزافزون کارگران صنعتی کوشش کنند. باید هسته‌های سرخ‌کارگری را در کارخانه‌ها و مناطق کارگری گسترش دهند و قبل از هر چیز این واقعیت را در پهنه قدرت مادر تشکک و آگاهی کارگران نهفته است.

اعضا و هواداران سازمان باید همگام با مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، علیه گمبه نیروهای ضد انقلاب و فرصت طلبان و سازشکاران مبارزه کنند. باید مد اوما ماهیت ضد انقلابی تمامی جریانات سلطنت طلب و تمام تبلیغات آنها را برای توده‌ها افشا کنند. باید ماهیت تمام افعال و رفتار فرصت طلبانه و سازشکارانه رهبران مجاهدین خلق را فاش و بر ملا سازند و پیوند‌های مرد نشان دهند که چگونه آنها از آرمانهای توده‌های مردم دور شده و علیه انقلاب کام‌برمدارند. باید همچنین ماهیت ارتجاعی ضد انقلابی حزب خائن توده و خائنین اکثریتی تمامی سیاستهای خائفانه آنان را بر مردم توضیح داد و در برابر تمامی این جریانات، برنامه و سیاستهای انقلابی سازمان را پیش از پیش در میان توده‌ها تبلیغ نمود. باید بتوده‌های مردم توضیح داد که بدون رهبری طبقه کارگر، تمام دستاوردهای انقلاب آنان بر باد خواهد رفت. باید به توده‌های مردم توضیح داد که بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری در مکرانیک خلق بشماره هدی قوری طبقه کارگر، آزادی و دموکراسی ممکن نیست. رفاه و خوشبختی ممکن نیست. برانداختن سلطه امپریالیسم ممکن نیست. باید تبلیغات وسیعی را علیه جنگ ارتجاعی موجود سازمان داد و بتوده‌های مردم توضیح داد که تنها راه پایان بخشیدن به جنگ و دستیابی به یک صلح دموکراتیک که در آن ضایع توده‌های زحمتکش تا مین شویستند بل این جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی انقلابی یعنی قیام مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلام است. شعارهای ضد جنگ را با شعار سرنگونی بلا واسطه رژیم پیوند بزنید و شعار تبدیل جنگ به جنگ داخلی را بجا بیاورید. شعار: بسیاری کارگران، دهقانان، سربازان و عموم توده‌های زحمتکش بپسند و آنها بر دوش و یوار بنویسید.

اعضا و هواداران سازمان باید بگویند که بر اساس مواضع و رهنمودهای صدای فدائی، بهانه‌ها و نشریات سازمانی که مرتباً از راه پویشش خواهد شد، تبلیغات وسیعی را علیه رژیم سازمان دهند. مواضع اتخاذ شده را ضبط کنند و بصورت اعلامیه و تراکت پخش کنند.

گمبه رفاقا باید در هر کجا هستند خود را خبرنگار صدای فدائی بدانند و موظف باشند اخبار و مبارزات توده‌های مردم را با استفاده از گمبه امکانات موجود، مسلمان‌ترین و در عین حال سرخ‌ترین آن

و یا با استفاده از دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور و یا هرگونه وسیله دیگر، برای صدای فدائی ارسال دارند. ارسال سرب اخبار و گزارشات، یکی از وظایف بسیار مهم هر عضو یا هوادار سازمان می‌باشد. باعدان فدائی مرتباً مکاتبه داشته باشید. سوالات و مسائل خود را با سازمان در میان بگذارید. رفاقتی که ارتباط آنها به لایلی با سازمان قطع شده است می‌توانند از همین طریق با سازمان ارتباط مجدد برقرار کنند.

**کارگران و زحمتکشان ایران!
روشنفکران انقلابی!**

برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و پیروزی قطعی انقلاب به‌کرد برنامه و اهداف سازمان حرکتی فدائی خلق ایران متحد و متشکل شوید.

تنگ است ادامه حکومت ستکرانه جمهوری اسلامی بر توده‌های مردمی که عظمت جنبش انقلابی آنها علیه رژیم ستکر شاه، رعب و هراس در دل تمامی مرتجعین افکنده بود. تنگ است تحمل خشونت‌های جز فقر و نکبت، تهاوی و ویرانی‌های توده‌های ستمدیده مردم ما نتیجه‌های نداشت است.

مادر مبارز تاریخ، بشریت‌مدن و نسل‌های آینده مسئولیم.

مرک هزاران بار برزندگی اسارت‌دار زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی برتری‌دار توده‌ی نیست که مردم آگاه و بیدار ایران که تاکنون در هبازارتش از بهترین و ارزشمندترین فرزندان قهرمان خود را در نبرد علیه رژیم خون‌آشام جمهوری اسلامی از دست دادند. قطعاً تنگ و دوام این حکومت را تحمل نخواهند کرد و بی‌شک آینده و پیروزی از آن ماست و شکست سرنوشته‌مستوم مرتجعان تاریخ است.

باشد که صدای فدائی، این بانگ رسای کارگران و زحمتکشان و مدافع ضایع عموم توده‌های ستمدیده و استثمار شده ایران بتواند وظیفه انقلابی خود را در بیداری و آگاهی توده‌های مردم انجام دهد و نقش انقلابی خود را در جنبش آنها کند.

کمیته مرکزی سازمان حرکتی فدائی
خلق ایران - دهم آذرماه ۱۳۶۳

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران است



بودجه ۶۴:

استغفار واداشته و به
حکومت اسلامی را کوشش می کند .
درچنین شرایطی ، نماینده بودجه
سال ۶۴ درجلسه هفتمین سالهای
گفته ، بهاجراءآمد . همان لایحه ها ،
همه و عهد ها و ابراز خوش بینی نسبت
به آینده و توضیح وظایفی که بااصطلاح
بودجه در مورد تعدیل بحران ، کاهش
تورم و افزایش اشتغال و انتالیم بهمه
دارد از سوی نخستوزیر بعنوان یک
وظیفه هرساله بازی شد . و برای رفع
کسالت از تکرار مکررات بهبود هرساله ،
و هم به دلیل تشدید و خاتم اوضاع
اقتصادی - سیاسی ، هرسال برای
گرفتن کوتی ها افزوده شده بااصطلاح اهدا
سالانه جدیدی که قاعدتاً بودجه در
راستای آن تنظیم شده است ، اعلام میشود .
نخستوزیر نیز بر همین منوال اعلام نمود که
" لایحه بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور در
موقعیتی نقدیم مجلس شورای اسلامی میشود
که نظام جمهوری اسلامی ایران ، توانایی
از همیشه در صحنه سیاسی - اقتصادی
جهان حضور دارد " زمانی که " تمام
جمهوری اسلامی ایران نه تنها مترادف با
یک انقلاب عمیق و گسترده است ، بلکه
پاد آور جامعه های با نظمی نو و بی سابقه در
جهان آشوب زده کنونی است " . این چنین
گرافیکوتی ها مدتی است که خط مشی
سران جمهوری اسلامی شده است .
در موزکراسی ایران در هیچ کجا نظیرند ارد .
در هیچ کجا امنیت بهاندازه اینجا نیست .
اما الان بیشترین امنیت اقتصادی در کلبه
وزنهای جهان را در ابریم و الوی آخر .
هرچه وضعیت رژیم خرابتر میشود و نسا
رضایتی تودما بالای می گرد ، بر اینگونه
سخنان شمعنغ افزوده میشود . البته در
اینکامین اقتار بودروازی حاکم بر ایران
" توانای از همیشه " و با نظمی نو و بی سابقه
بهیچاول سود و سرمایه مشغولند حرفی
نیست .
اما بهرحال نخست وزیر علاوه بر اینگونه
اظهارات عام و نیز مفضل فروشی های بی
محتوا به نمایندگان مجلس - و در خصوص
آنان - پیرامون قولهای چون " وابستگی
ساختاری " ، بر اساس سنت ناپستی در
هنگام ارائه بودجه همد اف بودجه سال
۶۴ نیز برداشته ، وی گفت علاوه بر جنگ
" به هدف عده " اقتصادی بعنوان محور
تجه و تنظیم بودجه مورد نظر قرار داشته
است . این هدف ها عبارتند از مهار
تورم ، حفظ و تد اوم رشد تولید و کوشش
در جهت ایجاد اشتغال مولد " تورم ،
رکود تولیدی و بهکاری در ای آنچنان

ایجاد گسترده و عمیقی است که پنهان کردنی
نیست . نخست وزیر نیز با وجود ادعای
اینکه ایران توانای از همیشه نماینده رصحنه
داخلی که در صحنه سیاسی - اقتصادی
جهان حضور دارد ، نمی توانست بر این
سه ملاک مهم که متمایز کننده دوران بحران
اقتصادی از رونق اقتصادی است پسرده
ببیند . حتی آمارهای رسمی رژیم با وجود
تعدیل های پر بنیای مقضیات سیاسی و آمار
های جسته و گریخته ای که از سوی نمایندگان
مجلس البته در چهارچوب مبارزه قیدرت
در رین هیات حاکمه بیان میشود . آنچنان
رسواکنده است که حاشی برای پنهان
کردن معضلات اقتصادی (با وجود ادعا
های کذافی) باقی نمی گذارد . و از همین
رو است که فرقه " فال برای بیان اهداف
بودجه سال ۶۴ این بار به " مهار تورم ،
حفظ و تد اوم رشد تولید و کوشش در جهت
ایجاد اشتغال مولد " افتاده است . گفتم
" فرقه فال " چرا که وسعت و عمق معضلات
اقتصادی - اجتماعی آنچنان همه جانبه
است که هرسال بر هر هفتی می توان تاکید
کرد ، از کشاورزی گرفته تا صنایع و از
بهداشت و درمان گرفته تا آموزش و پرورش
و الوی آخر . در حقیقت این تاکید های
سالانه متناسب با وضعیت سیاسی روز است
نه اینکه بافت بودجه در جهت بر آوردن
اهد اف اعلام شده ، واقعا تدوین شده
باشد . بافت یکسان بودجه در چندین سال
آخر با وجود بااصطلاح اهدا متفاوتی که
بودجه سالانه م با پشت دنبال کند ، خود
معروف باومکوتی های مکرر پیرامون اهداف
شخص در بودجه های سالانه است .
در یک تحلیل عمومی آنچه ماهیت ،
اهد اف و عملکرد بودجه های سالانه را
تبیین میکند ، ماهیت و مشخصات قدرت
سیاسی حاکم (یا جهت بساختن اقتصادی)
است . بر همین بنیای عمومی ، ماهیت ،
اهد اف و عملکرد بودجه های دولتی
جمهوری اسلامی از ماهیت و مشخصات
رژیم . با نظیر داشتن ساختن اقتصادی .
نشأت میگرد . حال باید دید چگونه دولت
جمهوری اسلامی که خود بهطل ماهیتی
تشدید کند بحران است ، از طریق بودجه
سالانه - و تا آنجا که مربوط به عملکرد
بودجه میشود - تورم را مهار میکند ، تولید
را رشد میدهد و اشتغال مولد ایجاد
میکند ، یعنی به " سه هدف عده اقتصاد
که عنوان نموده است تحقق می بخشد ؟
لایحه بودجه سال ۶۴ ، حتی با وجود یک
ارقام تکنیکی و ریز بودجه انتشار نیافته
است ، در دست همانگونه که انتظار میرود
عکس موارد فوق را نشان میدهد . یعنی
بودجه سال ۶۴ در جهت افزایش نرخ
تورم ، رکود و بهکاری عملکرد خواهد داشت .
بررسی مختصری از اقلام دریافت ها و
پرداخت های مذبح در لایحه بودجه عمومی
دولت موارد فوق را بیشتر روشن می سازد :

دریافت های بودجه
در لایحه بودجه سال ۶۴ ، جمع
درآمد های عمومی بالغ بر ۴۷۰ میلیارد
ریال پیش بینی شده که نسبت به هزینه های
عمومی مبلغ ۳۹۴ میلیارد ریال کسری دارد .
در قلم عده تا همین درآمدها را درآمدهای
نفتی و مالیاتی تشکیل میدهند . سهم
درآمدهای نفتی و مالیاتی در کل درآمدهای
عمومی به ترتیب بالغ بر ۳۰ / ۱۵۳ / ۷۰ درصد
درآمد میشود که مجموعاً بیش از ۸۴ درصد
درآمدهای عمومی را شامل میشود . سایر
درآمدهای عمومی از جمله درآمد حاصل از
فروش ایدز فروش پول به قیمت بالاتر که در قلم
اسلامی یعنی ربا است (را به دلیل
سهم ناآل در تشکیل درآمدهای عمومی
کنار می گذاریم . شخصی با زری که در قلم
عده تا همین درآمدها را هستند ، غیر
قابل پیش بینی بودن وصول آنها و عدم
تحقق کامل شان و در نتیجه افزایش میزان
کسری بودجه واقعی است .
۱- درآمدهای نفتی - سهم نفت در
تولید ناخالص داخلی ، نقش کلیدی آن در
ساخت اقتصادی و اثراتش بر شکل گیری و
حرکت سایر بخشهای اقتصادی - سهم
مطلق آن در صادرات و اتکالی فوق العاده
بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی
از جمله موارد بسیار مهم قابل بررسی است .
قدرت اقتصادی که دولت از انحصار نفت
به آن نائل میشود و برشیره اعمال قدرت
سیاسی اثر میگذارد ، اهمیت نقش نفت
را در کل زندگی اقتصادی - سیاسی جامعه
ایران آشکار می سازد . تلنکه قدرتی که از
نفت حاصل میشود در یک جهت طبقاتی
بکار گرفته شود منوط به ماهیت قدرت سیاسی
است هم رژیم شاه و هم رژیم خمینی نقش
نفت را در شیوه اعمال قدرت اقتصادی -
سیاسی دولت به خوبی به نمایش گذاشته اند
اما در اینجابهت ماد رابطه با موارد
فوق کماز اهمیت ویژه ای برخوردارند نیست .
حتی در اینجا به نقش نفت بطوروفی انفسه
در ایجاد اشتغال و با مهار تورم نیز
نمی پردازیم و این امر را ماکول می کنیم به
اینکه درآمدهای نفتی و بطور کلی درآمد
های عمومی دولت چگونه هزینه میشوند .
آنچه در این قسمت فعلاً مورد نظر است
نشان دادن غیر قابل پیش بینی بودن
درآمدهای نفتی و لذا باتوجه به سابقه
این ساله در بودجه های سالهای قبل ،
عدم تحقق اقلام پیش بینی شده و لذا روی
آوردن دولت به تاخیر کسری بودجه از طریق
اقتضارات بانکی است که در مجموع به افزایش
نرخ تورم می انجامد .
بی شباهتی رژیم ، بحران اقتصادی ، مسائل
ناشی از جنگ که خود ریشه در ماهیت رژیم
دارد و بحران جهانی سرمایه داری آنچنان
شرایطی را بوجود آورد که سران حکومت
بالا حبار " نوسانی " بودن درآمدهای نفتی
را اعتراف میکنند ، بقه در صفحه ۶

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بودجه ۶۴:

الله بختند . نخست وزیر در نطق خود به هنگام ارائه بودجه سال ۶۴ ساله عدم تحقق درآمد های پیش بینی شده نفتی را چنین توجیه کرد : " در سال گذشته سال جاری ، بخاطر وابستگی بودجه کشور به درآمد های نفتی ، تحقق درآمد های دولت به فراز و نشیب های مربوط به اوضاع سیاسی اثر گذار بر بیشتر حرکت نفتکش ها در خلیج فارس و بازار نفت بستگی داشته و بازار نفت آشفته ترین وضع را در دو سال گذشته بخنود دیده است . وی اضافه کرد که امکان عدم دریافت ما ، در هر ریز ، بین ۲۰۰ هزار شکه تا ۴ میلیون شکه در نوسان بوده است و ما ریز به ریز جای پای هر بحران را در خلیج فارس در درآمد های عمومی خود دیدیم . قبح از نخست وزیر بانکی نیز اعلام کرده بود که " فروش نفت مان آن چیزی را که ما فکر می کردیم تحقق نشده از کپهان ، اول آبان ۶۳) از کتلهای فوق معمولی مشخص است که درآمد های پیش بینی شده نفتی در دو سال گذشته تحقق نیافته عملاً کسر بودجه بسیار فراتر از رقم تصویری بوده است . اما بجه میزان ؟ متأسفانه دولت خد شکر از هیچ رقمی را در این باره حتی برای نمایندگان خد شکر که باید بودجه های عمومی را تصویب کنند افشا نمی کند . آمار حکم کپها را پیدا کرده . بهر حال باتوجه به آمار سالهای گذشته مشخص میشود که اولاً عدم تحقق درآمد های نفتی فقط ضمیمه دو سال اخیر (بر اثر بحران نفتکش ها در خلیج فارس) نیست و ثانیاً باتوجه به میزان عدم تحقق درآمد های نفتی در سالهای گذشته میتوان با مصوب داشتن بحران نفتکش ها حدودی از میزان عدم تحقق درآمد ها را در دو سال اخیر حدس زد جدول شماره یک ، میزان پیش بینی و تحقق درآمد های نفتی را طی سالهای ۶۰-۵۸ نشان میدهد .

(جدول شماره ۱)
درآمد نفتی طی سالهای ۶۰-۵۸

(مبلغ به میلیارد ریال)

سال	درآمد مصوب	درآمد قطعی	تحقق درصد
۱۳۵۸	۱۴۸۸	۱۲۲۰	۸۲
۱۳۵۹	۱۷۵۴	۸۸۹	۵۱
۱۳۶۰	۱۵۳۳	۸۶۵	۵۶

درآمد نفتی دولت همچون خود رئیس جمهور اسلامی پادشاه است . دانسته نوسانات درآمد نفتی آنچنان وسیع و غیر قابل پیش بینی است که دست اندرکاران

بودجه نویسی جز ارائه " سناریو " راه دیگری ندارند . بر همین اساس است که سازمان برنامه و بودجه طی رساله ای با عنوان " گزارش اقتصادی سال ۶۰-۱۳۵۹ " و ملاحظاتی درباره بودجه سال ۱۳۶۰ به ارائه " سناریوهای سال ۱۳۶۰ " و " سناریوهای بودجه سال ۱۳۶۰ " میپردازند . در " سه سناریو " درآمد های پیش بینی شده نفتی عبارتند از مبلغ ۱۸۴ ، ۵۵۲ و ۱۳۸۰ میلیارد ریال برای هر سناریو . یعنی پیش بینی درآمد های نفتی برای سناریو اول و سوم ۷۵۰ درصد نوسان دارد . به این ترتیب ، باتوجه به روند گذشته ، تد اوم همان شرایط و اظهارات صریح نخست وزیر شاه دیده میشود که رقم درآمد نفتی در بودجه سال ۶۴ نیز یک پیش بینی غیر قابل تحقق پیش نیست . درآمد نفتی عملاً در سطحی پائین تر از آنچه پیش بینی شده قرار خواهد داشت و کمتری آن از طریق اختیارات بانکی تامین خواهد شد . فروش نفت به قیمت پائین تر از قیمت رسمی اولیه که رژیم برای تامین درآمد هاسمان شوشل شده نیز دردی را چاره نخواهد کرد . چه صرف نظر از رقابت های نفتی در سطح جهانی طی چند سال گذشته رژیم با کوشش فوق العاده ای سیاست حراج نفت را دنبال کرده و معضداً قادر نبود تا مست که درآمد های نفتی پیش بینی شده را تحقق بخشد .

۲- درآمد های مالیاتی - پس از نفت ، درآمد های مالیاتی عمده ترین بخش از درآمد های عمومی دولت را تشکیل میدهد . میزان درآمد مالیاتی در لایحه بودجه سال ۶۴ بالغ بر ۱۰۶۳ میلیارد ریال پیش بینی شده است . در رابطه با درآمد های مالیاتی ، دو موضوع قابل طرح است : اول اینکه جهت گیری مالیاتها چیست و کدام طبقات و اقسام اجتماعی را تحت تاثیر قرار میدهد و اثر عملکرد آن بر شرح تورم چگونه است و دوم اینکه آیا مبلغ پیش بینی شده برای وصول مالیاتها قابل تحقق است ؟ در مورد اول مختصراً و بطور کلی میتوان گفت که راستای اهداف و عملکرد درآمد های مالیاتی بر مبنای ماهیت قدرت سیاسی شخص میشود . بر طبق این گفتار کلی در هر دولتی که بورژوازی طبقه حاکم را تشکیل دهد ، اهداف و عملکرد مالیاتها بر طبق منافع و مصالح آنی و ذاتی طبقه حاکم قرار دارد . اما این گفتار عمومی کل دولتهای بورژوازی را اعم از " دموکراسی های بورژوازی " و آنچه که اصطلاحاً " دولتهای دیکتاتوری سرمایه داری خوانده می شود و همچنین صرف نظر از اینکه کدامیک از اقتدار بورژوازی بر قدرت سیاسی تکیه زد مانند رانسانل می شود . این گفتار عمومی ، اگرچه ماهیت عملکرد مالیاتها را در مجموع سرمایه داری مشخص میسازد ، اما مشخصات ویژه دولت هر جامعه را که در مواقعی اهمیت اساسی می یابد ، نادیده

می گیرد . بررسی رابطه مالیاتها (و کلاً عملکرد دولت) با ماهیت و مشخصات ویژه دولت ایران ، اهمیت این مشخصات ویژه را نمود آری سازد : دولت ایران ، بسک دولت سرمایه داری است ، از اینرو مالیاتها بطور کلی در جهت منافع و مصالح طبقه حاکم قرار دارد . در عین حال دولت ایران ، دولت سرمایه داری وابسته است و طبیعتاً القاعده بنانه ضعف بورژوازی داخلی و سلطه امپریالیستی ، دارای رویشی " دیکتاتوری " است . هزینه های اعمال " دیکتاتوری " و اینکه کلیه اقدار بورژوازی در حکومت شرکت ندارند ، عملکرد مالیاتها را در دستیار بیشتری بمنفع اقتدار بورژوازی حاکم قرار میدهد . در زمان رژیم شاه ، این عملکرد عمدتاً در جهت منافع سرمایه های بزرگ و انحصاری قرار داشت . عامل دیگر ، تکیه دولت ایران به درآمد های نفتی و تزریق آن به اقتصاد جامعه و تامین هزینه های دولت از آن طریق است . این عامل ، از یکسو به قدرت اقتصادی دولت افزود و دولت را تا حدود زیادی از فشار مستقیم به سرمایه داران و اقتدار مختلف خرده بورژوازی - تولیدی و توزیعی جهت وصول مالیاتها بی نیاز میسازد و از سوی دیگر نقش و عملکرد نفت و عملکرد طولانی مدت دولت در مورد مالیاتها ، به علاوه سایر عواملی که در اینجا مورد نظر نیست ، هم نظارت اقتدار مختلف سرمایه داران را بر اعمال دولت تضعیف کرده و هم فرهنگ بهره گیری از امکانات دولتی (که بر نرفت تکیه دارد) بدو منتقل بخش از هزینه های آن بصورت پرداخت مالیات بردارد ، برانان سلط شده است . از اینرو بافت مالیاتهای دولت را آسیای مالیاتهای غیر مستقیم و مالیات بردارنده کارگران و کارمندان که بطور خود کار از دستمزدهای کمتری برخوردارند تشدید می دهد .

تمامی مشخصه های فوق به علاوه ویژگی های جمهوری اسلامی را می توان در بخش درآمد های مالیاتی مشاهده کرد . نتیجه تمامی مشخصه های فوق در جهت فشار هر چه بیشتر بر کارگران و زحمتکشان و استفاده از اقتدار بورژوازی حاکم قرار دارد . سخنان پارهای از سران حکومت در مورد مالیاتها که بعلمت تضاد بین بخش های مختلف سرمایه عنوان شده است ، تلخ و دری ماهیت و راستای عملکرد مالیاتها را روشن میسازد . بانکی در مورد مالیاتهای سال ۶۳ در مصور تیکه کلا وصول شود می گوید : " حال این ۸۷ میلیارد تومان (میزان مالیات محسوب سال ۶۳) راهم خیال نکنید که مالیات را از کسانی که پول دارند و پول در می آورند گرفته می شود . نه ، اتفاقاً از کسانی که پول ندارند و زیر کلبه دولت هستند و مهارشان دست دولت است از اینها مالیات گرفته می شود . " وی ادامه میدهد .

بقیه در صفحه ۱۰

۳۰ ساعت کار ، دور روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



ساخت اقتصادی ...

فقدانی که دهقانان نیروی عمده آن محسوب می شدند و لذا تثبیت زمین در جهت ضایع امری بالنسبه. بنابراین برنامه اصلاحات ارضی در هر مرحله اجرائی از یکسو با برآیند مبارزه طبقاتی و از سوی دیگر با درجه توسعه سرمایه آری و رو به انحصار کردن سرمایه حاکم انطباق نسبی داشت. بر این مبنا بر اساس قانون اصلاحات ارضی و طی مراحل مختلف اجرای آن قشر بندی دهقانان شدت یافت و خلع به از دهقانان بالا گرفت. اما توسعه سرمایه آری در روستاها، تشدید قشر بندی دهقانان و خلع به از دهقانان فقط به علت اجرای قوانین بلاواسطه اصلاحات ارضی نبود، بلکه توسعه سرمایه آری در کل جامعه (و از جمله در روستاها) و قوانین ضمیمه های بسط تولید سرمایه آری در روستاها که بطور مستقیم در اثر شقوق ضد بوج در قانون اصلاحات ارضی نبود، نیز روند فوق العاده تکمیل می کرد.

آنچه که در این بخش مورد بررسی قرار می گیرد، اثرات توسعه سرمایه آری بر تشدید قشر بندی دهقانان است. بدین منظور، صرف نظر از خلع به از دهقانان در اثر اجرای قوانین اصلاحات ارضی که قبلاً مورد بررسی قرار گرفت و در اینجا اثرات توسعه سرمایه آری بر تشدید قشر بندی دهقانان را در دو جهت ارزیابی می کنیم: اول، توسعه سرمایه آری و خلع به غیر مستقیم از دهقانان و دوم، توسعه سرمایه آری و خلع به مستقیم از دهقانان.



جدول شماره (۱۵) مصرف کود شیمیائی، بذرگندم و پنبه و فروش تراکتور

سال	مصرف کود شیمیائی (هزار تن)	فروش تراکتور	بذر گندم (تن)	بذر پنبه (تن)
۱۳۴۵	۱۲۴	-	۷۶۲۵	۱۷۰۰
۱۳۴۶	۲۱۵	۲۳۸۲	۵۶۰۰	۲۰۰۰
۱۳۴۷	۱۸۴	۲۹۶۸	۶۵۰۰	۲۵۶۷
۱۳۴۸	۲۰۸	۳۳۶۹	-	۲۵۰۰
۱۳۴۹	۲۴۳	۱۸۹۴	۱۲۷۸۹	۳۳۹۸
۱۳۵۰	۳۲۸	۲۴۵۸	۳۲۹۸۰	۳۱۲۱
۱۳۵۱	۳۷۹	۵۷۸۷	۳۴۰۰۰	۹۳۲۷
۱۳۵۲	۴۸۲	۴۷۸۱	۳۵۰۰۰	۱۱۰۷۸
۱۳۵۳	۶۱۶	۷۵۶۱	۶۴۳۰	۱۱۰۰۰
۱۳۵۴	۶۲۴	۹۰۳۸	-	-

ماخذ: سالنامه آماری، ۱۳۵۵.

توسعه سرمایه آری و خلع به غیر مستقیم از دهقانان

الف - همزمان با تغییر مناسبات تولید میان تولید کنندگان بلاواسطه و استثمار کنندگان در روستاها، وسایل تولید و شیوه های بهره برداری از زمین نیز تحول یافتند. گسترش استفاده از تراکتور، کود شیمیائی و بذره های اصلاح شده از نمود های بارز این تحول در روستاهای ایران پس از اجرای اصلاحات ارضی هستند. این وسایل و شیوه های تولید در دوره قبل از اصلاحات ارضی بطور محدود در مناطقی خاص، مانند کرگان و گنبد، مورد استفاده قرار می گرفتند. ولی تنها پس از زد و بین موانع پیش سرمایه آری بود که بکارگیری آنها شدت گسترش یافت. جدول شماره (۱۵) استفاده از تراکتور، کود شیمیائی و بذرگندم و پنبه اصلاح شده را طی یک دوره ده ساله نشان می دهد. چنانچه در جدول شماره ۱۵ دیده میشود، مصرف کود شیمیائی و بذر اصلاح شده طی یک دوره ده ساله به شدت گسترش یافت. فروش تراکتور توسط دستگاه توسعه ماشین آلات کشاورزی نیز افزایش سریع از خود نشان می دهد، بطوریکه از حدود ۲۳۰۰ دستگاه در سال ۱۳۴۶ به بیش از ۹ هزار دستگاه در سال ۱۳۵۴ رسید. طبق آمارهای منتشره از طرف دولت، این رقم در سال ۱۳۵۶ به حدود ۱۱ هزار دستگاه نیز رسید. استفاده از تراکتور بعد لایل گوناگون، از جمله کارائی بیشتر، هزینه نگهداری کمتر، شخم عمیق تر و ...، جانشین گاه آهن شد. هر چند که همین روند جایگزینی شدید بود، است، ولی میزان استفاده از آن در مناطق مختلف و نیز در بهره برداری های مختلف یکسان نبوده است. بعنوان مثال در کرگان و گنبد به تناسب پیشرفت ترین منطقه کشاورزی ایران، میزان استفاده از ماشین آلات کشاورزی به مراتب بیش از دیگر نقاط ایران است، و برعکس در مناطقی همچون سیستان و بلوچستان

و یا مناطق کوهستانی فارس و ... و به دلیل گوناگون تراکتور و دیگر ماشین آلات کمتر مورد استفاده قرار می گیرد. این نشان همگونی در طبقات بهره بردار نیز بازتاب می یابد. این مطلب را در جدول شماره ۱۶ که برای سال ۱۳۵۳ تهیه شده، می توان مشاهده کرد.

جدول شماره (۱۶) استفاده از تراکتور و متفکیک بهره برداری ها در سال ۱۳۵۳

بهره برداری ها	درصد استفاده از تراکتور
کثر از یک هکتار	۱۴/۹
۱ تا ۲ هکتار	۳۲/۴
۲ تا ۵ هکتار	۴۷/۰
۵ تا ۱۰ هکتار	۶۳/۹
۱۰ تا ۵۰ هکتار	۷۱/۹
۵۰ تا ۱۰۰ هکتار	۹۱/۵
۱۰۰ هکتار به بالا	۹۶/۲

ماخذ: نتایج آمارگیری کشاورزی ایران ۱۳۵۳

همانطور که بهره برداری های کوچک مقدار کثرتی زمین و دیگر عوامل تولید معیشت را در اختیار داشتند، از تراکتور بعنوان یکی از وسایل جدید کشاورزی نیز به همان نسبت به میزان کثرتی استفاده می کردند. جدول شماره (۱۶) نشان می دهد که بهره برداری های کوچک از تراکتور به مراتب کمتر از بهره برداری های بزرگ استفاده می کنند. این امر بعد لایل گوناگون مانند ضعف مالی دهقانان خرد میا، مقرون بصرفه نبودن استفاده از تراکتور در بهره برداری های کوچک و ... در صورت پذیرفته است. ولی حال نتیجه عملی آن چیزی جز تقویت وضعیت اقتصادی واحد های بزرگ در مقابل دهقانان خرد میا نتواند باشد. به عبارت دیگر ماشین نیز یکمک مجموعه مناسبات سرمایه آری نسبتاً نوپا در روستاهای ایران شتافت و از این راه قدرت اقتصادی و تولیدی واحد های بزرگ را تقویت کرد.

اگر در دوره قبل از اجرای اصلاحات ارضی، اجاره گاوکار میان دهقانان رواج داشت و معمولاً دهقانان مرفه، که بیش از نیاز تولیدی خود گاوکار داشتند، حیوانات خود را به دیگران اجاره میدادند، در دوره پس از اصلاحات ارضی تغییراتی در این رابطه دیده می آید. بدین معنی که با گسترش استفاده از تراکتور، هدایای گاو عدنا سرمایه داران کشاورزی بودند، اقدام به اجاره دادن تراکتور (و گاو) خود به دیگران کردند، و برعکس دوره قبل از اصلاحات ارضی، اجاره بصورت نقدی برداخت میشد و مبلغ آن بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال برای هر هکتار بود. برداخت همین مبلغ وجه نقد برای بقیه در صفحه ۸

لر جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

ساخت اقتصادی ...

بسیاری از دهقانان که با گاوکار داشتند با آن را اجار می کردند، مقرون صرفه بود و این امر یکی از دلایل حده گسترش سریع چارگویی تراکتور برای شخم زدن و خارج شدن گاوکار از صحنه کشاورزی بود. بدین ترتیب مکانیسمهای بازار سرمایه داری کاملاً دیگر رجعت جدائی بیشتر دهقانان از شرایط معینی تولید برداشت و قطعی شدن طبقات را شدت بخشید.

با تشکیل مجموعه مناسبات تولید در رابطه با ابزار تولید، زمین و کار بجان شده است، ولی یک جنبه دیگر، یعنی رابطه بهره برداریها با بازار باقی مانده که تعیین آن ضروری می نماید. زیرا که این رابطه، یعنی پیوند دادن روستائیان و کشاورزان به بازار کالاهای مصرفی کشاورزی نیز در واقع یکی از اهداف اصلی اصلاحات ارضی بود.

هرچند که آماری در مورد درصد فروش محصولات کشاورزی در بازار به تفکیک بهره برداریها موجود است (رجوع شود به جدول ۹ نتایج آمارگیری کشاورزی ایران ۱۳۵۳، مرحله دوم) ولی چون این اطلاعات مجموعی است از کلیه تولیدات کشاورزی و نیز انواع کشتهای آبی و دیم، گمراه کننده بوده و بنابراین نمی تواند مورد استفاده قرار گیرد. بهر حال آنچه مسلم است، تولید کنندگان خرید میای محصولات هم چون گندم و برنج عمدتاً برای مصرف خانوادگی خویش تولید می کنند در حالی که تولید کنندگان کوچک محصولات مانند چای، توتون، چغندر و ... اساساً برای عرضه در بازار کشت می کنند زیرا که محصول آنها به اندازه آنکه که از مزه بدست می آید قابلیت صرف شخصی ندارد. در مقابل این گروه، تولید کنندگان بزرگ قرار دارند که صرف نظر از نوع محصول خود (اعم از برنج و گندم) و با توتون، چغندر و ... اساساً برای فروش در بازار تولید می کنند. اینان بواسطه گسترده گشتزارهای خود، عرضه کننده حده محصولات کشاورزی به بازار داخلی بود مانند. بدین ترتیب، بر اساس برآورد آرسویک (Aresuik) بهره برداریهای بزرگتر از ۱ هکتار حدود ۷۷ درصد محصولات کشاورزی موجود در بازار ارضی می گرداند. (رجوع شود به "The Agricultural Development of Iran", Praeger Publishers, 1977, ۱۰۱ ص)

از خصوصیات عمده رابطه میان تولید کنندگان محصولات کشاورزی با بازار وجود واسطه ها و سلف خررها در سراسر نقاط روستائی ایران است. واسطه ها که عمدتاً در پیوند با کشاورزان خرید و متوسط کار می کنند، معمولاً هنگامی که از وقت این دهقانان تحلیل می رود، یعنی در زمستان به آنان وام نقدی یا جنسی می دهند و هنگام

برداشت محصول طلب خود را وصول می کنند. بهره این وامها معمولاً بسیار بالا است و گاهی بعد درصد و حتی بیش از آن هم می رسد. سلف خررها نیز به شیوه ای مشابه کاری کنند. بدین ترتیب که قبل از برداشت محصول، یعنی هنگام داشت آن که دهقانان در این هنگام دیگر پس انداز جنسی و بانقدی برای مصیبت خود ندارند، مجبوره پیش فروش کردن محصول میشوند. این وضعیت، موقعیت سود مندی را برای عناصر تنگی جامعه روستائی بوجود می آورد. در این هنگام سلف خررها محصول دهقانان را قبل از برداشت بهشتن بخری می خرند، در حالی که پس از برداشت، آنرا به قرضهای بسیار بالاتر به واسطه های دیگر در بازارها بفروش می رسانند. تفاوت قیمت خرید و فروش محصولات کشاورزی در روستاها معمولاً بسیار زیاد و گاهی به چند برابر می رسد. در برخی موارد دکانداران روستا به این تجارت دست می زنند. اینان معمولاً کالاهای خود را به چند برابر قیمت بطور نسنه به مشتریان می فروشند و هنگام برداشت محصول، که غالباً قیمت آن به حد اقل می رسد، طلب خویش را بطور جنسی دریافت می دارند. بطور خلاصه، هرچند که کشاورزان خرید و متوسط تنها بخشی از محصول خویش را به بازار عرضه کنند، ولی مجموعه مکانیسمهای واسطه میان آنها و بازار مصرفی کالاهای کشاورزی بجزئی عمیق می کنند که شدت اقتصادی اینگونه تولید کنندگان را تحلیل می برند. چنین وضعیتی در سراسر دوره پس از اجرای اصلاحات ارضی ادامه داشت و علیرغم ادعاهای دولت وقت مبنی بر گسترش شبکه تعاونی و ... دهقانان خرید و متوسط همچنان در دست این عناصر انگلی اسیر بودند.

ج - علاوه بر مورد فوق، جمعیت روستائی ایران از جانب عناصر تنگی دیگری نیز در رنج بوده است. بدین معنی که ریاخواران نیز گاهی به یکی از اشکال فوق الذکر و یا گاهی بطور مستقیم وارد زندگی اقتصادی روستائیان می شدند. فقر شدت بدتر میهای دهقانی طی چند دهه اخیر آنان را مجبور کرده بود تا برای تأمین مصیبت خود به ریاخواران محلی روی آورند. این ساله طی دوره پس از اجرای اصلاحات ارضی، علیرغم گسترش شبکه های شرکهای تعاونی، همچنان پاهرای ماند. بطوریکه می توان گفت منابع اعتباری یکی از مهم ترین عواملی بود که در تجزیه طبقاتی دهقانان موثر افتاد. فشار ناشی از ریاخواران راز و جنبه می توان نشان داد: اولاً، بر طبق مطالعات متعدد می که از روستاهای ایران بعمل آمده، نرخ بهره در بازار پولی روستاها (غیر از بانکها و تعاونها) از ۱۰ درصد تا بیش از ۱۰۰ درصد بوده است، ثانیاً، علیرغم تبلیغات رژیم گذشته مبنی بر کمک مالی به روستائیان، در یک ارزیابی کاملاً خوشبینانه ارگانهای دولتی رقم حدود ۵۰ درصد عرضه وام را در بازار پولی روستاها تأمین می کردند و باقی مانده را ریاخواران برعهده

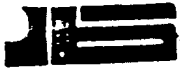
داشتند، مطالعه ای که از جانب فائو (FAO) برای دوره ۱۹۶۳ - ۷۲ بعمل آمده است این ساله را نشان می دهد (جدول شماره ۱۷)
سهم منابع اعتباری در بازار پولی روستائی ایران ۱۹۶۳ - ۷۲

منبع	مقدار	درصد
بانک تعاونی کشاورزی	۹/۰	۱۳/۶
شرکهای تعاونی	۶/۰	۹/۰
صندوق توسعه کشاورزی	۰/۴	۰/۶
سازمان چای و نهادهای دیگر	۵/۱	۷/۸
بانکهای تجاری	۱۳/۲	۲۰/۰
جمع	۳۳/۷	۵۱/۰
بازار غیر متشکل	۳۲/۳	۴۹/۰
(ریاخواران ...)	۶۶/۰	۱۰۰/۰
جمع کل		

(میلیارد ریال)

علیرغم اینکه جدول شماره (۱۷) بطور اجمالی سهم و مقدار هر یک از دو بازار متشکل (بانکها و ...) و غیر متشکل (ریا خواران و ...) پولی را نشان می دهد، در رابطه با موضوع مورد مطالعه ما، یعنی روستائیان و وام گیری، دو نکته را آشکار می کند. اولاً، باید توجه داشت که تنها سهمی از کل مبلغ ۳۳/۷ میلیارد ریال به دهقانان تعلق گرفته و مابقی به سرمایه داران کشاورزی داده شده است و ثانیاً، بخشی از کل وام اعطائی بانک تعاونی کشاورزی، از طریق شرکهای تعاونی توزیع میشود و بنابراین سهمی از وام ۹ میلیارد ریالی در حقیقت در دست سرمایه داران روستائی قرار می گیرد. هم بعنوان وام اعطائی این بانک و یکبار هم بعنوان وام اعطائی شرکهای تعاونی. با توجه به این دو نکته میتوان ادعا کرد که ریاخواران و ... سهمی به مراتب بیش از ۹۰ درصد از عرضه وام به روستائیان را برعهده داشته اند، که این امر در حقیقت نشانگر فشار مالی است که بر روستائیان وارد می آید.

جدول شماره ۱۸ گسترش از مطالعات روستائی بهرامین روستاهای ایلام (۱۳۴۴) گناباد (۱۳۴۷)، نیشابور (۱۳۴۶) و کرسار (۱۳۴۸) می باشد، وضعیت منابع اعتباری در روستا و سهم بازار متشکل پولی (بانکها و ...) را طومر می نماید. بهر حال و نتیجه عملی گسترده نسبی شبکه ریاخواران و واسطه ها و پس در حقیقت فعالیت شدت سرمایه های ریائی و تجاری در روستاها، روستاهای ایران، چیزی جز عقب ماندگی مجموعه مناسبات تولید و نیروهای مولد نمی توانست باشد. به عبارت دیگر سرمایه های ریائی و تجاری با چنگ انداختن بر بخشهایی از ارزش حاصله توسط روستائیان از یکسو، قهر نسبی دهقانی و خلق به دنباله در صفحه ۹



ساخت اقتصادی ...

از دهقانان را تشدید کرده و از سوی دیگر از رشد سرمایه‌ممنعی (مولد) جلوگیری کرده‌اند.

توسعه سرمایه‌داری و خلع‌بد مستقیم از دهقانان

بعضی‌بار مصفاات فوق نشان داد که مجموعه مناسبات سرمایه‌داری در دو بعد در روستاهای ایران گسترش یافت. نخست آنکه بخشی از مالکان فقودال سابق شیوه استثمار خود را تغییر دادند و به شیوه‌های سرمایه‌دانه بهره‌مندی از تولیدکنندگان بلاواسطه دست باز کردند. از اینرو بود که رابطه دستمزدی میان سرمایه‌داران کشاورز از یکسو و کارگران و نیمه بهره‌برداران روستا از سوی دیگر، گسترش چشمگیری حاصل کرد. ولی این طریق، یعنی تبدیل مالکان فقودال به سرمایه‌داران کشاورز، که اصطلاحاً در اقتصاد سیاسی آن را "راه پروسی توسعه سرمایه‌داری" خوانند، به توسعه مجموعه مناسبات سرمایه‌داری در روستاها نشان می‌دهد. این توسعه سرمایه‌داری در روستاها به گونه‌ای بهم پیچیده در روستاهای ایران رشد یافتند، که این امر بیانگر قانون توسعه سرمایه‌داری در روستاهای هر جامعه‌ای است که فقودال‌بیم به سرمایه‌داری تحول می‌یابد. به عبارت دیگر، توسعه سرمایه‌داری در روستا همواره - بصورت ترکیب بهم پیچیده‌ای از دو راه آمریکائی و پروسی است. ولی در هر جامعه‌ای، بر اساس چگونگی مبارزه طبقاتی جاری در آن، یکی از این دو راه بر دیگری سلطه می‌شود. در ایران نیز در شرح اجرای اصلاحات ارضی (مرحله اول) چنین بنظر می‌رسید که "راه آمریکائی" نسبت به راه دیگر تفوق داشته باشد، ولی بتدریج همزمان، رونق اقتصادی و ثبات سیاسی و فراهم آمدن زمینه برای فعالیت سرمایه‌های بزرگ، راه پروسی بطور قطعی بر راه آمریکائی سلطه شد.

جدول شماره (۱۸) سهم منابع اعتباری در بازار پولی پاره‌ای از روستاها (بر اساس درصد)

منابع اعتباری	نشانور (۵۵ روستا)	ایلام (۱ روستا)	گاباد (۴)	گرمسار (۲)
دوستان و نزدیکان	۳۴/۹	۲۶	۲۱/۱	۱/۴۴
دکاند آروسلف خور	۳۷/۹	۴۴	۵۱/۴	۵۶/۲۷
بانک اعتبارات	۱۳/۴	۲۷	۲۱/۱	۲/۰۷
شرکت تعاونی	۲/۸	۳	-	۲۹/۸۳
مالک	۲/۸	-	۵/۴	-
سایر منابع	۴/۲	-	-	۰/۱۴

پروسی تسلط راه پروسی توسعه سرمایه‌داری در روستاها از همان آغاز اجرای اصلاحات ارضی شروع شد. این پروسی بصورت قانونی و غیرقانونی، در روند فقیر شدن دهقانان تجلی پیدا کرد و در تمامی سالهای پس از اصلاحات ارضی ادامه یافت. تاکنون، مجموعه‌ای از عواملی که موجب فقیرتر شدن دهقانان و با در - حقیقت رونق جیداتی آنان از شرایط عینی تولید فراهم آورد، بیان شد. ولی در اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوائل ۱۳۵۰ در روستا انحصاری شدن سرمایه و قدرت گرفتن سرمایه‌های انحصاری اجرای طرحهای بزرگ گشت سرمایه‌دانه شروع به گسترش نمود. در میان این طرحها، دولت دو طرح بزرگ در سراسر کشور به اجرا درآورد که هر دو آنها در مناطق مربوط رونق فقیرتر شدن دهقانان را تشدید کرد. این دو طرح عبارت بودند از شرکت‌های سهامی زراعی و گشت و صنعت‌ها که در زیر به شرح مختصر آنها می‌پردازیم.

شرکت‌های سهامی زراعی در اواخر دهه ۱۳۴۰، دولت وقت به فکر ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی بر اساس کمیونیتی‌های اسرائیل افتاد و این امر ظاهراً برای دستیابی به اهداف زیر بود: یکپارچه کردن زمینها و مکانیزاسیون و گسترش مقیاس تولید، آشنائی دهقانان با روشهای جدید کشاورزی، گسترش سطح زیر گشت، و افزایش درآمد کشاورزان. شرکت‌های سهامی زراعی در سال ۱۳۴۹ تأسیس شدند. در بدو تأسیس تعداد آنها ۱۴ شرکت بود که تا سال ۱۳۵۳ به ۶۵ شرکت با ۱۲۳۸۸۲ سهامدار (روستائی) در ۵۲۵ روستا و ۲۳۱۷۵۹ هکتار زمین رسید. تعداد شرکت‌ها در سال ۱۳۵۷، ۹۵ واحد بود و بنا بر طرح مزبور این تعداد می‌بایست به ۱۴۳ شرکت برسد.

برطبق طرح مزبور، اگر در روستاهای مورد نظر تعداد حد اقل ۵۱ درصد از روستائیان زمیندار رای مثبت به تأسیس شرکت سهامی زراعی در روستاهای خود می‌دادند، شرکت بانک مالی و فنی دولت تأسیس می‌شد. هرچند که ظاهراً دهقانان حق تعیین سرنوشت خود را داشتند، ولی عملاً این موضوع رعایت نمی‌شد و مشخصین دولتی روستاهای مطلوب برای اجرای طرح را انتخاب کرده و بدون توجه به نظر

روستائیان زمیندار، طرح را مورد اجراء می‌گذارند. بدین ترتیب، بر اساس طرحهای مشخصین دولت، در برخی مناطق یک یا چند روستا زیر پوشش یک شرکت سهامی زراعی قرار گرفتند و روستائیان زمیندار به نسبت میزان و مرغوبیت زمین‌های خود سهام از شرکت دریافت کردند. سرمایه لازم برای انجام امور مربوط به کارهای زیر - بنائی (نیطیح، زمکشی ...) و استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی (تراکتور، کمباین) و نیز تأمین مشخصین و مدبران برعهده دولت بود.

طرح شرکت‌های سهامی زراعی به گونه‌ای که اجرا شد، اگرچه در جهت مصالح و کارکرد سرمایه حاکم برجایمان بود، اما نتایج منفی خود را نیز در میان دهقانان به بار آورد و نتیجتاً از کارائی عینی منفی شده برخوردار شدند. طرح این شرکت‌ها در پیاده کردن آن در عمل بدون توجه به خواسته‌های تجارب و خلیقات دهقانان و به طریق قسسی بهرورگراتیک و اجباری به مرحله اجرا درآمد. بهسواد ی دهقانان و عدم آشنائی روستائیان به روشهای جدید تولید توأم با عدم آموزش و ترغیب آنان به روشهای جدید گشت، و همچنین بهرورگراتیک و اجباری بودن شرکت دهقانان در شرکت‌های سهامی زراعی به بی‌علاقگی آنان در کارهای گروهی واحد‌های مکانیزه کشاورزی و زمین‌زد. با وجودی که دهقانان دارای تجارب کار گروهی در - بنها بودند، اما طرح و شیوه اجرائی پیاده کردن شرکت‌های سهامی زراعی به گونه‌ای بود که علاوه بر دهقانان را به مالکیت اغراضی بر زمین تشدید کرد. علاوه بر این، عدم اطمینان دهقانان به سهام بهمنسوان نچی سند مالکیت بر زمین مزید بر علت شد و کار نچی بیگانگی میان روستائیان سهامدار و شرکت‌های سهامی زراعی بوجود آمد. از سوی دیگر میزان زمین‌داران دولتی اداره امور شرکت‌ها را بدست گرفته و بدون نظرخواهی از سهامداران، اساساً خود اقدام به تصمیم گیری و پیاده کردن طرحهای کردند. در این شرکت‌ها، کارهای تخصصی و مدیریت در دست مهندسان و متخصصین و مدبران قرار داشت، در حالیکه روستائیان عمدتاً به عنوان کارگران دستمزدی بکار شرکت‌ها مشغول بودند. این بیگانگی، ویسا در حقیقت جیداتی روستائیان از زمین و کنترل شرایط عینی تولید توسط مدبران بر اساس شکل خاص سرمایه‌داری دولتی قرار گرفت که از بالا (دولت) دیکته میشد.

روستائیان عمدتاً به اشکال گوناگون نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی مربوط به خود هکس‌العقل منفی نشان میدادند. به عنوان مثال، عدای بهساجرت از روستای خود دست زدند، در حالیکه عدای دیگر ترجیح میدادند برای دیگران و در خارج از ارمنی شرکت‌های سهامی زراعی بکار مشغول شوند. بیگانگی روستائیان سهامدار نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی مربوط به حدی بود که در اغلب آن شرکت‌ها، روستائیان حتی نمی‌دانستند که هیات مدیره چگونه انتخاب شده و در نهاله در صفحه ۱۶

بودجه ۶۴:

در سال ۶۳ ما از ضابط ۲۲
میلیارد ریال مالیات گرفتیم در حالی که از
حقوق بگوران ۹ میلیارد گرفتیم. تقریباً
سه برابر است. و ما حدود ۲/۵ میلیون
شغل داریم در حالی که یک میلیون پرونده
مالیاتی داریم. (کمیسیون اول آبان ۶۳).
بانکی از عیان درآمد که ما به یک سری
مالیات های غیر مستقیم و درآمد های غیر
مستقیم روی می آوریم که ما اسباب هم در
بودجه به اینکار روی آوریم و مالیاتها
که با اصلاح بعنوان اهرمی در جهت مهار
تورم جزو هدفهای دولت اعلام شده بود،
بعاین ترتیب اثر توری داشته و علاوه بر
قیمت کالاها افزوده می شود و کسانی که در
معرفی بلا واسطه این افزایش قیمتها قرار
می گیرند که کارگران و زحمتکشان هستند.
رقم که به علت کاهش درآمد های نفتی،
چشم امید به درآمد های مالیاتی در بسته
است، تلاش دارد که با انواع اهرمهای قابل
در دسترس هر چه بیشتر مالیاتها را وصول
کند. اما نباید لایلی که در رابطه اندر کردیم
این تلاشها هم در جهت کاهش قدرت
خرید کارگران و زحمتکشان عمل کرد می باشد.
آخرین ترفندی که به منظور وصول درآمد های
مالیاتی از ضابط را از زبان بانکی می شنوی:
" ضابط از سوی وزارت دارائی به چهار
قسم تقسیم شده که مورد تأیید دولت هم
قرار گرفته است تا بر اساس یک ضرایب یک
ظرف الحسابی از ایشان گرفته شود و بدینوسیله
مقداری از این درآمد هاتامین می شود.
(کمیسیون اول آذر ۶۳). بدین ترتیب
مالیاتها از بدین ضابط، به بنابه مالیات
پردرآمد انگاشته نمی شود بلکه هزینه ایست
شخص مثل اجاره که عیناً به قیمت کالاها
سورکن شده و اثرات توری خواهد داشت.
البته با این روش برخی از ضابط خوردن
زبان خواهند بود، اما جهت عمومی این
نوع مالیاتها سرشکن شدن آن بر روی قیمت
کالاها است. بدین ترتیب شاهد می شود
که سهم مالیاتی دولت اولاً در جهت
ضایع سرمایه داران حاکم قرار دارد، ثانیاً
بر مالیاتهای غیر مستقیم مکی است، ثالثاً
توانائی وصول مالیات مستقیم از سرمایه دار
در ایران راند داشته و فشار بلا واسطه آن بر
کارگران و کارمندان قرار دارد و در مجموع
سپس است که شد بدین جهت مکی
منافع کارگران و زحمتکشان عمل کرد دارد و
راحتاً مالیاتها که بعنوان اهرمی بالقوه
می تواند عمل کرد ضد توری داشته باشد، در
اینجا عمل کردی در جهت دامن زدن به تورم
دارد.

حال باید دید که آیا درآمد های پیش-
بینی شده مالیاتی قابل وصول است؟ میزان
کل درآمد های مالیاتی در لایحه بودجه سال

۶۴ نسبت به درآمد های مالیاتی صوب در
بودجه سال ۶۳ قریب به ۲۲ درصد افزایش
یافته است. این پیش بینی افزایش وصول
مالیاتها در حالی صورت گرفته که بنابه اعتراض
سازمان حکومت، میزان صوب سال ۶۳ و ۶۲
توانسته است تحقق یابد. بانکی می گوید:
در سال جاری ما برای مالیاتها فکسر
میکردیم. (که) بعد لیل گرفتاری های
اداری و نبودن طراحها، مکن نشد.
نخستین نیز بر اساس استعمال دولت در
تامین درآمد ها و همچنین تضاد در هیات
حاکم اظهار میدارد که " متأسفانه بخاطر
وجود روحیه ای منفی برای دادن مالیات
(که اشاره ایست به مقامی که در مورد دادن
مالیات در بازار پیش شد) در سطح جامعه
از سوی همین قشر و نیز عدم طراحائی
موفقیت آمیز مکنهائی کارا برای گرفتن
مالیات، پیشرفت قابل توجهی در این زمینه
بدست نیامده است" و با این وجود در -
حالی که دولت از وصول ۸۷۳ میلیارد ریال
مالیات سال جاری عاجز است، میزان
پیش بینی درآمد های مالیاتی را برای سال
۶۴ به ۱۰۶۳ میلیارد ریال افزایش داده
است. آنچه مسلم است نباید لایلی که قبلاً
ذکر شد عدم تحقق درآمد های مالیاتی به
میزانی است که در لایحه بودجه تعیین
شده است. از اینرو میزان کسری درآمد
های مالیاتی نیز به قریب پیش بینی شده کسری
بودجه اضافه شده که تنها راه برای تأمین
آن استفاده از اعتبارات بانکی است.

۳- ضایع تأمین کسری درآمد ها نسبت
به پرداخت ها - بطوریکه مشاهده شد
حدود ۸۴ درصد از درآمد های عمومی را
درآمد های نفتی و مالیاتی باید تشکیل
دهند که در واقعیت امر ارقامی کاذب -
هستند. بر اساس این ارقام کاذب کسری
درآمد ها نسبت به هزینه ها بالغ بر ۳۹۴
میلیارد ریال میشود. بر اساس پیش بینی
های لایحه بودجه، از این مقدار کسری
(غیر واقعی که کم نشان داده شده) حدود
۲۴ درصد آن از محل برگشتی از پرداخت
های سال قبل و ۷۶ درصد آن از طریق
استفاده از وامهای داخلی که اساساً
همان استفاده از اعتبارات بانکی است،
تامین میشود. ضایع اصلی تأمین کسری

جدول شماره (۳)
مقایسه نقدینگی با تولید ناخالص داخلی برای سه سال متناوب به میلیارد ریال
(به میلیارد ریال)

سال	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵
نقدینگی	۲۰۱۷	۲۰۰۰	۲۲۷۷
تولید ناخالص داخلی	۲۰۱۷	۲۰۰۰	۲۲۷۷
به نسبتهای ثابت سال ۱۳۵۳	۲۳۱۴	۲۳۱۲	۲۰۶۰
			۲۴-

بودجه (اعتبارات بانکی) بخودی خود
بیانگر تورم زائی است. اما همانگونه که
مطرح شد، مقدار کسری بودجه بسیار
کتر از میزان واقعی آن در لایحه بودجه
ارزایی شده است. با توجه به اینکه اقدام
هزینه ها در ای انحطاط بسیار محدود در
کاهش هستند، هر چه قدر که درآمد های
پیش بینی شده تحقق نیابد بر میزان کسری
بودجه افزوده خواهد شد. و از آنجا که
قلم غیر عمده تأمین کسری یعنی برگشتی
از پرداخت های سالهای قابل شخص غیر
قابل افزایش است، بنابراین افزایش
کسری بودجه به افزایش اعتبارات بانکی
ضرر خواهد شد. یعنی عمل کردی در جهت
افزایش نرخ تورم خواهد داشت. تجربه
سالهای گذشته نیز بر همین ضوال بوده
است. جدول شماره ۲ میزان کسری بودجه
صوب و کسری بودجه واقعی را طی سالهای
۶۰ - ۵۸ نشان میدهد.

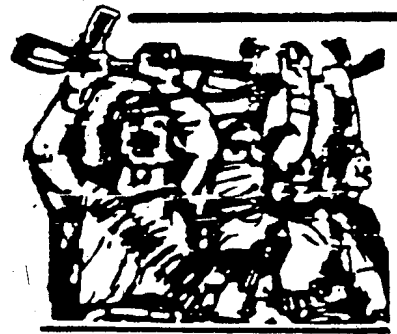
جدول شماره (۲)
مقایسه کسری بودجه صوب و قطعی طی
سالهای ۶۰ - ۵۸ (به میلیارد ریال)

سال	صوب قطعی	تفاضل	بهر صوب
۵۸	۳۵۵	۴۲۷	۲۲
۵۹	۳۹۴	۹۰۲	۱۲۹
۶۰	۷۰۲	۱۱۰۳	۴۵

تواکم کسری بودجه های دولت و تأمین
اعتبارات از سیستم بانکی یکی از مهمترین
دلایل افزایش نقدینگی طی سالهای فوق
الذکر بوده است. این افزایش شد بد
حجم نقدینگی در حالی صورت می گرفته که
علا تولید ناخالص داخلی به قیمت های
ثابت سال ۱۳۵۳ کاهش داشته است.
جدول شماره (۳) مقایسه ای بین روند
معکوس افزایش نقدینگی و کاهش تولید
ناخالص داخلی به قیمت های ثابت سال
۱۳۵۳ را برای سه سال متناوب ۵۶-۵۸ و
۶۲ نشان میدهد.

بقیه در صفحه ۱۲

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



کردستان انقلابی ، پرشورترین کانون مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی

از آن نیست. نگاهی گذرا به شمار انبوه کشته‌شدگان رژیم، استحقاقات سوخته‌شده آنان در چهارماه گذشته، خود بارزترین نمود این قهرمانی‌ها و اینه تمام نمای قدرت‌مندی این جنبش انقلابی است. پیشمرگان قهرمان کردستان فقط در نبرد های پارتیزانی چهارماه گذشته ۱۶۹۴ تن از مزدوران سرکوبگر را به هلاکت رسانده ، ۲۵۰ نفر را به اسارت در آورده و بیش از ۲۷۰ خود روی نظامی دشمن را منهدم نموده‌اند . طی همین مدت در جریان بیش از ۹۳۲ نبرد قهرمانانه ، ۱۶۶ قبضه تفنگ و جنگ افزار انفرادی ، ۱۲۸۹ نارنجک دستی و بیش از ۱۵۰ هزار گلوله فشنگ ، ۳۹۱ گلوله آر. پی . جی و ۶۸ قبضه سلاح سنگین و نیمسنگین شامل خمپاره و مگسک و تیربار به غنیمت گرفته‌اند . تنها طی همین چهارماه ، یکصد و پنجاه و نهن از سربازان و دستگیر کردگان رژیم خود را به انقلابیون تسلیم کرده‌اند . در طی این چهارماه یکصد و بیست و نه تن از ساکنین بی دفاع روستاها در انفجار توپها و خمپاره های دشمن به شهادت رسیده‌اند . در چهار روستا ویران گشته ، بسیاری از مزارن به آتش کشیده شده و تبدیل به خاکستر شده‌اند . بسیاری از دامهای روستاییان که تنها منبع درآمد ناچیزشان را تشکیل می‌دهد ، در اثر این ویرانیها از بین رفته و یار و همجویم پاسد اران و ارتشبان غارت شده است.

آری امروز وجب به وجب خاک کردستان قهرمان ، پایگاه حماسه رزمی انقلابیست ، خانه و کاشانه حقیرانه و کوچک هر روستایی زحمتگر کرد ، سخر قدرتمند و بناه اختصار آفرین پیشمرگان دلیری است که آتش رژیم انقلابی را در قلب کردستان شعلهور نگاه داشته و ضربات بره آسای آنان همچون تندره صفوف دشمنان را مانع قرار داده است . رزمشان پایدار -

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ، برای به زانو در آوردن این جنبش علاوه بر سرکوب نظامی ، به انواع و اقسام تشبثات ارتجاعی و یگراز جمله محاصره اقتصادی ، خنجر اجباری روستائیان زحمتکش کردستان و تهدید ساکنان شهرهای آن و بسیاری حیل و ترفند های ارتجاعی دیگر توسل جسته است . اما همه این سیاست های جنایتکارانه ، با مقاومت کم نظیر و حماسه آفرین این خلق قهرمان که برای از میان برداشتن رژیم ملی و دستیابی به حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه می کنند ، با شکست کامل مواجه گشته است . این سیاستها در مقابله با اراده خلیل ناپذیر توده های زحمتکش کرد و پیشمرگان دلیر آن ، جز شکست بیشتر برای رژیم جمهوری اسلامی فایده ای نداشته است .

امروزه ، اگر رژیم جمهوری اسلامی زهر آتشی سنگین ترین جنگ افزارها و در پناه تانکها و هلی کوپترهای نوید آری آمریکا ، بخشهای وسیعی از سرزمین کردستان را به جولانگاه مزدوران خود بدل کرده است اما هرگز قادر نبوده و نخواهد بود اراده این خلق قهرمان را در هم بشکند و در عزم مبارزاتی پیشمرگان دلیران خللی وارد آورد .

روزی نیست که پیشمرگان قهرمان کردستان ، مراکز تجمع و پادگان های دشمن را در دل شهرهای کردستان زیر ضربات خرد کننده خود نگیرند و بسیاری از پایگاههای ارتش و پاسد اران را به تصرف در نیاروند . روزی نیست که پیشمرگان حتی فرماندهان مزدور بسیج و پاسد اروجانش های خود فروخته را به هلاکت نرسانند و یا به اسارت خود در نیاروند ، آنها کردستان را به کورستان جنایتکاران تبدیل کرده‌اند و آنان را در پایگاههایشان به بند کشیده‌اند . در واقع هر پایگاهی که به پشتیبانی توپ و خمپاره و تجهیزات و زیراتش هلی کوپترها و راکت در کوههای کردستان مستقر میگردد . خود به محاصرتنی تبدیل شده است که سرکوبگران را جبارت خارج شدن

طی پنج سال حاکمیت ارتجاعی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی ، بسیاری از دستاوردهای قیام شکوهمند بهمن بهمن تاراج رفت و جنبش در مقاطعی با ضرباتی شکننده روبروشد . اما ارابه انقلاب از حرکت باز نایستاد و ولایت آن همچنان برقرار ماند . انقلاب در عرصه های متفاوت ، تعرض و تحریک خود را در برابر ضد انقلاب همچنان حفظ کرد . تشکل های صلحانه خلق های تحت ستم ایران ، یکی از بارزترین نمونه ها و برجسته ترین تجلی گاه این مد اومت انقلاب است .

این مد اومت ، بویزه با قدرت هر چه تاخیر در کردستان انقلابی ، ارتش ، پاسد اران و دیگر ارگانهای سرکوبگر را با ضربات کوبنده ای روبروساخته است . جنبش انقلابی خلق کرد ، طریقه تمامی ادعاها و دروغ پردازیهای رژیم ، مبنی بر تسلط نیروهایش در کردستان ، امروزه مثابه یکی از فعالترین و پرشورترین کانون های مبارزه صلحانه ، آتش انقلاب را در این گوشه از میهن شعلهور نگاه داشته است . کردستان در سخت ترین شرایط و با استقامتی بی نظیر در قریبهای بی شمار باخدا اقدامانات ، در مقابل ارتشی بسیار عالی ترین تکمیل و پیشرفته ترین تجهیزات نظامی ، همچنان پایدار مانده است . این همه توانمندی ، علیرغم نبود رهبری متمرکز و فقدان یک فرماندهی واحد و هماهنگ ، خود نشاندهنده بارز ایمان خلیل ناپذیر خلق قهرمان کرد و ریشه دار بودن ایمن جنبش و بیانگر ظرفیت بالا و وسعت توده های و نفوذ عمیق آنست .

رژیم جمهوری اسلامی ، طی پنج سال گذشته ، برای درهم شکنن مقاومت رزم - جویانه این خلق قهرمان ، از هیچ جنایتی بی رنج نوزیده است . تیرباران ، تخریب و آتش سوزی ، ترور ، شکنجه ، زندان و کشتار در ستممندی مردم روستاها و شهرهای کردستان ، شیوه های بوده است که رژیم طی این مدت علیه خلق کرد بکار گرفته است .



بودجه ۶۴

جدول شماره ۳ نشان میدهد در حالی که نقد بنکی از سال ۱۳۵۶ تا ۶۲۲ حدود ۲۵۲ درصد افزایش داشته، تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت طی همان مدت زمانی ۲۳ درصد کاهش داشته است. این روند در جهت افزایش نرخ تورم عمل کرده و عملکرد بودجه سال ۶۴ نیز در تند اوم همین روند خواهد بود. این روند در جهت ضایع سرمایه داران علی الخصوص بورژوازی تجاری قرار دارد.

بودلخت های بودجه

بر اساس لایحه بودجه سال ۱۳۶۳ هزینه های عمرانی (اعتبارات سرمایه گذاری ثابت) به ۱۱۰۶۰ میلیارد ریال و هزینه های جاری به ۲۷۶۲۳ میلیارد ریال بالغ خواهد شد. بدین ترتیب هزینه های عمرانی نزدیک به ۲۹ درصد هزینه های جاری بیش از ۷۱ درصد از کل هزینه های عمومی را تشکیل می دهند. نخست وزیر در دفاع از لایحه بودجه سال ۶۴ در مجلس سناستماعی بهین هزینه های عمومی سال ۶۴ (۳۸۶۸۲۷ میلیارد ریال) با هزینه های عمومی صوب سال ۶۳ (۳۸۷۰۶۱ میلیارد ریال) عمل آورد و مدعی شد که در جهت مهار تورم و مگر جهت کاهش کسری بودجه سعی شده که در جهت امکان از بار هزینه ها کاسته شود. اما ارتقا مندرج در جدول و در درصد سهم هزینه های عمرانی و جاری در کل هزینه ها که در فوق به آن اشاره کردیم، درست جهت عکس با اصطلاح اهداف دولت را نشان میدهد. به علاوه رهاکاری دولت خد شکر از و مسقطی است در مورد اهداف بودجه وقتی بیشتر آشکار میشود که بخشهای مختلف هزینه های عمومی سال ۶۴ با سال ۶۳ مقایسه شود. نخست وزیر در حالی که فقط ۲ میلیارد ریال کاهش در هزینه های عمومی (آنهم بر اساس لایحه و نقد عمل) یعنی چیزی حدود نیم درصد در نشانده در جهت گیری ضد تورمی معرفی می کند از تغییر در ترکیب هزینه ها اندک سخنی به میان نمی آورد. در حالی که مقایسه هزینه های سال ۶۴ با سال ۶۳ نشان دهند افزایش هزینه های جاری و در عوض تقلیل هزینه های عمرانی هم بطور مطلق و هم بطور نسبی است. هزینه های عمرانی سال ۶۴ نسبت به سال ۶۳ قریب به ۸۰ میلیارد ریال کاهش یافته است. این میزان ۷ درصد کاهش در هزینه های عمرانی را نشان میدهد. از طرف دیگر هزینه های جاری سال ۶۴ نسبت به سال ۶۳ قریب به ۲۸ میلیارد ریال یعنی حدود ۳ درصد افزایش یافته است. اگر نسبت هزینه های عمرانی به هزینه های جاری در سال ۶۳ برابر با ۴۴ درصد بود این نسبت در سال ۶۴ به ۴۰ درصد کاهش می یابد. ترکیب هزینه ها و روند تغییرات به سمت هزینه های جاری نه تنها در جهت اهداف اعلامی بودجه در مهار تورم،

حفظ و تند اوم رشد تولید و کوشش در جهت ایجاد اشتغال مولد نیست بلکه برعکس در جهت افزایش نرخ تورم، رکود و بیکاری است.

روند مخرب فوق الذکر در هزینه های عمومی دولت سبب تند اوم و تشدید بحران اقتصادی است. و جالب توجه است که در مقده بودجه سال ۵۹ در این مورد میخوانیم که "با توجه بوجود آمدن تمایل خطرناک در مالیه کشور جهت تورم شدن بیشتر بودجه جاری نسبت به بودجه عمرانی کشور قبول پرود اختیای - گوناگون که عملاً تناسبی با بازده تولیدی کشور ندارند، بدین شک ارائه این روند در رساله های بعد امکان پذیر نبود و کشور را با بحران مالی و اقتصادی بسیار عمیقی مواجه خواهد ساخت". مقده بودجه ۵۹ در حالی از "تمایل خطرناک در مالیه کشور" نام می برد که نسبت بودجه عمرانی به بودجه جاری در سال ۵۹ برابر با ۵/۷۷ درصد و در سال ۵۹ برابر با ۵/۶۱ درصد مقایسه این نسبت ها با نسبت بودجه عمرانی به جاری در سال ۶۴ (۴۰ درصد) روند تعمیق یافته تمایل خطرناک در مالیه کشور که "کشور را بحران مالی و اقتصادی بسیار عمیقی مواجه خواهد ساخت" را روشن می نماید. اما علق بحران زائی بودجه دولت زمانی بیشتر آشکار می شود که تحقق بودجه های عمرانی را نیز در نظر بگیریم. نه تنها در بودجه های صوب طی یک روند نسبت بودجه عمرانی به جاری به تدریج تقلیل یافته، بلکه تحقق بودجه های عمرانی بسیار پایین تر از میزان صوب بوده است که خود ناشی از بحران اقتصادی و در همین حال تشدید شده است. آن بوده است. جدول شماره ۴ که برای سالهای ۶۰ - ۶۳ تنظیم نشده مطالب فوق را بهتر آشکار می سازد.

جدول شماره (۴) نسبت بودجه عمرانی به جاری طی سالهای ۶۰ - ۱۳۵۸ (بر حسب درصد)

نسبت بودجه	سال
عمرانی به جاری	۵۸ ، ۵۹ ، ۶۰
صوب	۴۷/۵ ، ۵۶/۲ ، ۳۹/۵
قطعی	۳۵ ، ۳۳/۷ ، ۳۰

مشخصات بحران زائی، انگلی و سرکوب گرانه بودجه دولت با در نظر گرفتن سهم اجزاء تشکیل دهنده هزینه های جاری باز هم بیشتر بر ملا میشود. متأسفانه اساک دولت در ارائه ارقام و ریز اقلام بودجه شناخت این مشخصات را مشکل میگرداند، اگرچه در روند کمی روزمره بخوبی لمس میشود. ولی بهر حال از اقلام بسیار مهم و حیاتی بودجه های سالانه برای هیات حاکمه هزینه های ارباب و سرکوب و توسعه طلبی و به عبارت دیگر هزینه های نظامی و جنگی است. دستمای مرقم اصلی این قلم از اقلام هزینه ها بطور مشخص و دقیق نامبر است. هزینه های سرکوب در کل ابعاد هزینه ها سرشکن شده و آنچه ملموس است

فقط بخشی از آن را تشکیل میدهد. اما حتی با استناد به سخنان نخست وزیر در مجلس ابعاد فاجعه آمیز هزینه های نظامی را میتوان تا حدودی تشخیص داد. وی گفت "بررسی دیگری روی روند رشد بودجه جاری در رساله های اخیر نشان میدهد که هزینه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ تحمیلی از رقم ۶۴۱/۴ میلیارد ریال در سال ۵۹ به ۱۲۱۱۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۳ و ۱۳۰۳/۶ میلیارد ریال در بودجه مصوب سال ۶۳ افزایش یافته است." به عبارت دیگر بودجه نظامی در سال ۶۳ نسبت به ۶۲، ۷/۶ درصد رشد داشته است. از آنجا که صحنه های جنگ با عراق طی این مدت بطور نسبی راکد بوده است، میتوان ماهیت اصلی این افزایش را که همانست سرکوب توپها و خلق کرد است، در نظر گرفت. نخست وزیر با اصطلاح "هزینه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ تحمیلی" برای سال ۶۴ را اعلام نکرد، اما حتی اگر این هزینه ها در سال ۶۴ برابر با سال ۶۳ نیز در نظر گرفته شود، حجم انبوهی از هزینه های جاری در جهت امور نظامی صرف خواهد شد. که نسبت نظامی (علنی و غیر علنی) دولت را آشکار می سازد. این نسبت برای سالهای ۶۲ و ۶۳ به ترتیب برابر با ۵۸/۵۸ و ۶۳/۶۳ درصد بوده است و در سال ۶۴ (بیشتر) عدم افزایش هزینه های نظامی برابر با ۵/۴۷ درصد هزینه های جاری خواهد بود. مقایسه درصد هزینه های نظامی با کل هزینه های بهداشت و درمان (۲۷ درصد هزینه های جاری) و هزینه های آموزش و پرورش با آن ابعاد فراگیرش (۱۶ درصد از هزینه های جاری) خود معیاری است برای اهمیت سرکوب گرانه رژیم و بودجه نظامی آن. بطور خلاصه میتوان گفت که ماهیت و ترکیب هزینه های جاری دولت نیز انعکاسی از وضعیت اقتصادی - سیاسی جامعه و ماهیت دولت است. عملکرد هزینه های جاری رژیم در جهت تورم زائی و سرکوب و ایجاد اشتغال انگل وار سرگرانه برای مزدوران حزب اللهی قرار در بهر حال، بطوریکه از ارقام لایحه بودجه اعم از درآمدها و هزینه ها و ترکیب این اقلام برمی آید، جهت گیری بودجه سال ۶۴ با اجبار در تند اوم روندی است که بحران اقتصادی را در این می زند. عملکرد این بودجه در سال آینده - تا آنجا که عامل عملکردی بودجه در وضعیت عمومی اقتصادی دخیل است - در جهت تشدید تورم، افزایش رکود تولیدی و رشد بیکاری قرار دارد. این روند فزاینده به بحران، وضعیت معیشتی توپ مهارت از پیش به مخاطره خواهد افتاد و در همین حال عرصه های استثمار و جهاول بی نظیری را در خدمت سرمایه داران بویژه بورژوازی تجاری و در رأس همسختترین و واسطه ها و دلالهای می کشاید. بحران فزاینده روزبه روز برای توپها غیر قابل تحمل تر شده، ناراضی ها اوج میگیرد، اعتراضات گسترده و مترامک میشود... تضادهای جامعه رو به انفجار می گذارد.



پخش نشریات

نظامی اعلام نشده و غیر رسمی که هم اکنون بر جامعه حاکم است، آنها تلاش دارند تا هرگونه اعتراض را در نطفه خفه سازند، از پیوند پیشاهنگ انقلابی و تودها مانع بعمل آورند و از انتشار اخبار مربوط به اعتراضات و حرکات توده‌ای متوسط سازمانهای انقلابی جلوگیری کنند. اما واقعیت اینست که جو ارباب تاحدودی درهم شکسته است. مزدوران و جبرمخواران متشکل در گنجه‌های ثارالله، کمیته، جندالله، شهرستانی، امر بمحروف، در ستانی، ملوامار... مرتب در حال گفت زنی می باشند اما گفتر شکاری همچنگ می آورند. برخورد مزدوران مسلح رژیم با نشریات، اعلامیه‌ها، تراکتها و شبنامه‌ها به گونه‌ای است که گوئی سندی مرگ خویش را یعنی نظاره کرده‌اند. عکس العمل حیوت اورانان در مقابل پخش اوراق تبلیغی، انجمن هیستریک و - در پوتنوار و جیشانه است که برای ناظرین شاید تعجب آور جلومکند. اما واقعیت این است که آنها نفرت تودها از رژیم را بهتر لمس می کنند و از اینرو نمی توانند حد اقل رابطه‌ای را که از طریق اوراق تبلیغی، بین تودهای متفر از رژیم و پیشاهنگ انقلابی پدید می آید تحمل کنند.

در مقابل پخش اعلامیه، تراکت و بویژه خبرنامه شدت مورد توجه تودها قرار می گیرد. پاره‌ای از گزارشات پخش که عیناً ارائه می‌گردد حاکی از آنست که تودها تشنه آگاهی بوده و مشتاقانه علی‌رغم جو خفقان و سرکوبه از پخش آنها استقبال می کنند.

فشارهای گوناگون اقتصادی، بحران مردم افزون، بیکاری گسترده و فقر و فلاکت عمومی و در کنار آن فشارهای متعدد سیاسی و نبود کوچکترین آزادی حتی در زندگی خصوصی افراد، کارگران و زحمت کشان را بحالتی انفجارگونه گسسانده است.

تودها، ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم را اینک با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند، چیزی که میخواهند بداند و تشنه‌اند اینست که چگونه باید این رژیم تبهکار را سرنگون کرد و چگونه رژیمی را باید جایگزین ساخت.

در همین راستا تودها بویژه کارگران تشنه دریافت اخبار مبارزات دیگر کارگران و زحمتکشان و ناگنیک‌های بکار گرفته شده از سوی آنها هستند. بی جهت نیست که اخبار مبارزات تودهای علی‌رغم سانسورشده پد رژیم، به سرعت در سطوح وسیع منتشر میگردد. اخبار مربوط به اعتصابات محضن‌ها در رکب‌های مردم بامزد و مزدوران رژیم از جمله اخباری

است که شدیداً استقبال شده و در دهان به دهان میگردد.

فم المثل در تابستان سال گذشته خسر مربوط به محضن مردم زحمتکش افسریه و ستی اتویان افسریه تنها در فاصله ۲ ساعت در سطح شهر تهران انعکاس یافت و سرعت این تاکنیک یعنی ایجاد راه بندان در نقاط مختلف تهران حتی در شهرستانها از جمله در اراک بکار گرفته شد. و با خیر مربوط به اعتصاب شرکت دخانیات و کاناد آدرای در تابستان سال جاری در فاصله زمانی کوتاهی در تهران و سپس در شهرستانها منعکس گردید. در این میان اخبار اعتصابات کارگری جایگاه ویژه‌ای دارد و شور و شعف بسیاری در تودهای زحمتکش برمی انگیزد. اسبابطور غریزی و بتجربه لمس کرده‌اند که مبارزه تعیین کنند مبارزیم باید از کارخانجات و بویژه مراکز گلیسیدی آغاز گردد. باید تولید خوابانده شود و رژیم فلج گردد. بی جهت نیست که اخبار مربوط به اعتصابات کارگری حتی گاه بسا وسعتی به مراتب وسیعتر از آنچه اتفاق افتاده نشر می یابد که این نیز نشانه‌های درونی تودها به گفتردی هرچه بیشتر ابعاد مبارزات است. در چنین شرایطی، قطعاً راه بویشتین نقش را در تبلیغ ایفا می کند اما این بدان معنا نیست که فعالیت مستمر کار تبلیغی، به تبلیغ شفاهی توسط راه پیخلاصه گردد. چراکه حضور مستقیم پیشاهنگ در عرصه مبارزودر کنار تودها، برخورد بمسائل روزمره آنها، شرکت در مبارزه و سازماندهی آن مبارزات، همواره جز لا ینفک وظایف پیشاهنگان انقلابی بوده و هست.

نشریات توزیع شده باید با توضیح و تشریح برنامه سازمان راه رهائی و مشخصات حکومت انقلابی کارگران و زحمتکشان یعنی جمهوری دموکراتیک خلق را بتودها نشان داده و اثرات تود انقلابی را در مقابل تمامی اثرات تودهای ضد انقلابی و فریبنده قرار دهد.

سازمان ما علی‌رغم ضربات متعددی که طی سه سال اخیر متحمل شده است اما لعظه‌ای در تحقق و پیشبرد وظایف انقلابی ازبای ننشسته است. رفقای پخش توزیع، با درک مسئولیت عظیمی که بر دوش دارند در جریان برانیک انقلابی خود، به سه دستاورد های بسیاری در این زمینه ناائل گشته‌اند. گزارشات ارائه شده بهمانگسر تنها گوشه‌ای از فعالیت مستمر رفقا در این زمینه است. این گزارشات از میان گزارشات مربوط به سماه دوم سال ۱۳۱۳ انتخاب شده و چند نمونه از گزارشات پخش نیز مربوط بمهرماه است. ما بدلیل رعایت اصول امنیتی و همچنین از آنجا که در سلسله مقالاتی تحت عنوان "تبلیغ و نشر آن" به تفصیل از روشهای تکنیکی پخش و تاکنیکهای شخصی مربوط به شیوه‌های پخش صحبت

کردیم. وارد جنبه‌های تکنیکی نشدیم و تنها بعد و جنبه آن اکتفا می‌کنیم.

- ۱- عکس العمل تودها نسبت به پخش
 - ۲- عکس العمل عمال رژیم نسبت به آن.
- هدی از ارائه نمونه گزارشات و بتصویر کشیدن آنها، بیان استقبال و بسا انعکاس تودها و تاکید بسیار بر این وظیفه حیاتی یعنی کار وسیع تبلیغی در شرایط کنونی است. گزارشات انتخاب شده مربوط به پخش مستقیم رفقا در مقابل کارخانجات و یا مراکز تجمی تودها بوده و شامل گزارشات مربوط به پست سرخ و یا توزیع خانگسی مستقیم نمی‌گردد.

- ۱- گزارشات پخش در مقابل کارخانهایپارس الکتریک (خیابان آزادی) در تیرماه متحدان و نض اعلامیه: ۱۴۰ عدد ضمیمه خبری کار ۱۸۱، ۱۴۰ عدد تراکت در مورد جمهوری دموکراتیک خلق.

ساعت ۲/۴ دقیقه بعد از ظهر هنگامی که کارگران کارخانه در حال خروج بودند تراکتها و ضمیمه خبری به سرعت در میان کارگران پخش شد. تعدادی از کارگران ضمیمه و اعلامیه را برداشته و شروع بخواندن کردند بعضی از کارگران نیز در آنها ضمن شده و می پرسیدند ضعلق بمکدام سازمان است؟ در این میان زنی حدود ۳۰ ساله که بچه‌های درخت و بچه‌های نیزه همسراه داشت یک ضمیمه خبری برداشت و از پسر بچه همراهش که حدود ۱۰ ساله بسر خواست که برایش بخواند و همچنان بر اهش ادامه داد. حدود یک ربع بعد تنها ۱۵ عدد از مجموعه تعداد پخش شده برجسای مانده بود.

اشکاکات پخش - بدلیل حجم بودن ضمیمه خبری و سنگینی آن، در یک منطقه پخش شد و نتوانست سطح وسیعتری را تحت پوشش قرار دهد.

- ۲- کارخانه باهر (پارس دارو) تعداد و نض اعلامیه: ۱۵۵ عدد ضمیمه خبری ۱۵۵ عدد تراکت "زنان محروم و تحت ستم ایران". تاریخ پخش ۲۲/۴/۱۳۱۳ ساعت ۳ و ۳۳ دقیقه بعد از ظهر هنگام خروج کارگران از کارخانه تراکتها و ضمیمه‌های خبری پخش گردید. کارگران سریع شروع به برداشتن آنها کرده و سوار سرویس‌ها می شدند تا انجمن اسلامی و حراست نتوانند مانع برداشتن آنها گردند. چند نفر از کارگران هم یک ضمیمه خبری برداشته و می خواندند. یکی از آنها گفت: "اعلامیه تودها بهیاست؟ دیگری گفت نه بابا نوشته جنبش تودهای، سال چریکهای فدائی خلقه و کارگر دیگر گفت راست میگه نوشته چریکهای فدائی". در عرس دو دقیقه تقریباً تمام ضمیمه خبری و تراکتها از زمین برداشته شده بود. تنها ۴ عدد کف خیابان باقی مانده بود و - حدود ۴ - ۵ عدد نیز توسط مزدوران حزب اللهی پاره شد. بقیه در صفحه ۱۴

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

بخش نشریات

۳- مرکز آمار ایران

تعداد و نوع اعلامیه ۵۰ عدد ضمیمه
خبری - ۴۰ عدد تراکت - زنان محروم و
۰۰۰ تاریخ ۱۳۶۳/۴/۲۰

ساعت ۳ بعد از ظهر تراکها و ضمیمه
خبری پخش گردید. علاوه بر تعدادی از
کارمندان که از هرکدام بی بی برداشته و به
سرعت از منطقه خارج می شدند، عابری نیز
تعدادی از آنها را برداشته می رفتند.
تنهایی از عابری ۴ عدد ضمیمه خبری
برداشت تا زده و با خود برد. در این
میان تعدادی از ماشین های عبوری نیز
متوقف می شدند، ضمیمه خبری و تراکت
برداشته و می رفتند. حدود ۱۰ عدد
ضمیمه خبری هنوز در رک خیابان باقی بود
که مزدوران حراست سراسیمه به خیابان
روخته و شروع به جمع آوری آنها کردند.
مردی از خانسی که ضمیمه خبری را در دست
داشت و می خواند پرسید: این چه؟ در
باره چی نوشته؟ خانم در جواب گفت در باره
وضع مردم و کارخانه ها، مال سازمان
چریکهاست.

۴- کارخانه انورمال

زمان پخش - ۱۳۶۳/۶/۲۶
تعداد و نوع اعلامیه - پیام تسلیت به
مناسبت تصادف خونین کارگران و شهادت
تعدادی از آنها، ۱۶۰ عدد تراکت
کارگران، گردان پخش از مبارزات تودما
به اضافه دستهای گل.

پخش در ساعت ۱۶/۴ دقیقه در سه
نقطه مقابل درب خروجی در میان کارگران
انجام گرفت. کارگران ابتدا با تعجب به
صحنه پخش نگاه می کردند و بعد بطرف
اعلامیه ها می آمدند. کلاً تمام کارگرانی
که متوجه پخش شدند هم اعلامیه وهم گل
برمی داشتند. بهر مرد کارگری بطرف
اعلامیه ها روید یک اعلامیه و چند شاخه گل
برداشت. هیچکدام از اعلامیه ها پاره نشد.
چون مگر آن یکی در مقابل کارخانه پدیده
آمده بود. کارگران بحسن برداشتن اعلامیه
بلند شروع به خواندن آنها میکردند.
۵- کارخانه سلسل سازی.

بعد نیال افزایش قیمت غذای روزانه
کارگران و امتناع آنها از خوردن غذا روز
۱۵/۲۳ تراکی با عنوان "چرا دو
تومان اضافه بدیم" با اعضای کارگران
پخش پخش گردید.

بعضی پخش تراکها که در سه نوبت
صورت گرفت و کلاً ۱۵۰ عدد بود. تقریباً
تمامی تراکها توسط کارگران برداشته شد
کارگران از انجام پخش بسیار خوشحال
بنظر میرسیدند. یکی از کارگران به شوخی
بعد و مستش گفت: فلانی، حالا دیگه برای
ما اعلامیه پخش می کنی؟ رفیق در جواب

گفت: ما اینهم

دیگه. و یا کارگر دیگر بعد و مستش گفت:
"فلانی نینیم دیگه اعلامیه چاپ کنی ها."
او نیز در جواب گفت: "می گم و به هیچ
کس مربوط نیست". حدود ۱۰ دقیقه پس
از پخش، بازرسی و حراست متوجه پخش
شدند و سهار دستپاچه شده بودند. از
روز بعد، حراست و بازرسی تکبیاان صلح
در مقابل کارخانه گذاشته بودند تا از هر
گونه پخش جلوگیری نمایند و کارگران نیز
باتمسخرمز و در مسلم نگاه کرده و گفتند:
"عجب خسرهایی هستند، فلان فلان
شد ما می خواهند چه کسی را بگیرند."
همچنین از روز بعد از پخش، بازجویی از
کارگرانی که شروع کننده حرکت اعتراضی
بودند شروع شد.

۶- فرماندهی و مد پرت استند امسی
نوری (تهران نو)

تاریخ پخش - ۱۳۶۳/۷/۱۰
تعداد و نوع اعلامیه ۱۰۰ عدد
نشریه کار ۱۸۳ ویژه جنگ، ۸۰ عدد
اعلامیه کارگران در هر دو رژیم به یکسان
غارت می شوند.

ساعت ۲ بعد از ظهر عطیات پخش
آغاز شد. پرسنل در حال خروج بودند
مردی حدود ۲۰ ساله با تعجب گفت:

"چه جور ریختند، عجب سریع کار
کردند، در این موقع مردی رشو به
درجه دار جوانی گفت: "چه کماتی پخش
کردند؟" او جواب داد: "دو نفر
بودند"، دیگری گفت: "بعضی ها صلح
باشند". در این لحظه چند همافر به
برداشتن نشریه پرداختند، یکی از آنها
که حدود ۲۸ سال سن داشت گفت: "مال
سازمان چریکهای فدائی خلقه".
بعد لیل حجم زیاد نشریه تعدادی که
همراه می بردند زیاد نبود و اکثر آنها پس از
خواندن تهر مطالب، نشریه را راه می کردند
و می ترسیدند یا خود حمل کنند.

۷- کارخانه باسبر.
تاریخ پخش - ۱۳۶۳/۷/۱۰
نوع و تعداد - ۱۵۰ عدد نشریه کار،
۱۸۳ (ویژه جنگ)

ساعت پخش - ۲/۳ دقیقه، ساعت
خروج کارگران.

بعد لیل سنگینی نشریات، پخش بصورت
وسیع صورت نگرفت و عمدتاً در دو سه
نقطه ریخته شد. این بار تعداد کمی از
کارگران موفق شدند نشریه بردارند زیرا که
مزدوران انجمن اسلامی خیلی سریع
اقدام کردند و نشریات را جمع آوری کرده
و برای اینکه کارگران را از برداشتن نشریه
بازدارند همسریک وار فریاد می زدند. مال
تود ما بهیاست، اما یکی از کارگران برای
خنثی کردن تبلیغات مزدوران انجمن
اسلامی گفت: "هی بگید کار پیدا نمیشه
اینم کار درست. دقیقه پس از
زمان پخش، گشت گینه از راه رسید و به

حسرت مشاهده نشریه کار، ماشین رایارک
کرده نشریات را از انجمن اسلامی گرفته
و بعد اخل ما بین بردند. یکی از
پاسد اران صلح هم بصورت آماد مابین در
وسط خیابان مقابل کارخانه ایستاد اما
همه مزدوران حالت ترس و دلواپسی
داشتند و حتی پس از حرکت سرویس ها
در محل باقی مانده بودند.

۸- شرکت مخابرات (سید خندان)
ساعت پخش ۶ بعد از ظهر
تعداد و نوع - نشریه کار ۱۸۳ (ویژه
جنگ) ۲۰ عدد.

منطقه شلوغ و پررفت و آمد بود. در وقت
اتوبوس مقابل شرکت مخابرات حدود ۲ نفر
ایستاده بودند که اغلب کارمندان شرکت
مخابرات بودند. نشریه در همین محل
پخش شد. اما آنها که در وقت اتوبوس بودند
و یا از اتوبوس پیاده شده بودند و لا شده
و نگاه می کردند، بینند نشریه متعلق به
کدام سازمان است. برخی هم برداشته
آنرا تا زده و با خود می بردند.

پسر جوانی یک نشریه برداشت و هیجان
زده گفت: "مال چریکهای فدائیه
دو سه نفر نیز پس از مشخص شدن اینکه
نشریه متعلق به کیست آنرا لوله کرده و با
خود می بردند. آنها تپ زحمتکش داشتند
آنها هم که در اتوبوس بودند سرشان را از
شیشه بیرون آورده تا بفهمند موضوع چیست
چون تقریباً یک وضعیت غیرعادی پدیده
آمده بود.

تمامی این وقایع حدود یک ربع بطول
انجامید و طی این مدت تمام نشریات
بتوسط مردم بوده شد و حتی یک نمونه
از پاره شدن نشریه مشاهده نشد تنها یک
نشریه که کنار کیوسک روزنامه فروشی افتاده
بود بوسیله یک حزب اللهی که مسئول درگاه
بود با نوب یا بعد اخل جوی آب انداخته
شد.

در این موقع یک گشت ثارالله در مقابل
هتل جنگزدگان متوقف شد و شروع به
صحبت با ناظرین کرد. این حرکت مزدوران
نشان میداد که در آن محل "اطلاعات
۳۶ ملبونی" جمهوری اسلامی نتوانسته
وظیفه ضد انقلابی را انجام رساند.

موردی از پخش نیز که در صف
اتوبوسهاستلا اتوبوسهای کرج و ساکستان
پزشکان بازار شانزملیزه و... صورت گرفته
بعد لیل تشابه عکس العملها ضرورت بهمان
کامل گزارش منتفی است.

در جمع بندی از گزارشات پخش، بهمان
چند نکته ضروری است:
۱- استقبال تودما از اوراق تبلیغی
فوق العاده قابل توجه است و بهر کارگران
کتر هراسی در برداشتن نشریات و پاسا
اعلامیه ها و گاهها مطالعه علنی آن بخود
راه می دهند.

۲- عکس العمل رژیم در مقابل پخش
نشریات فوق العاده نقیه در صفحه ۱۵

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست



پیام هیئت تحریریه...

آن به پیوسته کافسی نبود. پس از انتشار اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان در مورد وضعیت مالی تشکیلات و اطلاع تودمهای هوادار از آن، سازمان بصورت بسیار تحسین برانگیز و افتخار آفرینی، بانکهای مالی نیروهای هوادار روپوشد. بخش زیادی از این کمکها، بهانگر وضو، مالی کارگران و زحمتکشان بود که سهمی از درآمد ناچیز خود را برای پیشبرد وظایف انقلاب، به سازمانشان اهدا کرده بودند. ما مایه وجود این روحیه در میان نیروهای هوادار خود که لازمه هرگونه حرکت انقلابی است و شرط ضروری پیروزی آنست افتخار می کنیم و سرفرازیم تا پیروزی نهایی کارگران و زحمتکشان ایران یک دم از پای ننشسته و با درک اهمیت مسئولیتی که این روحیه بر عهده سازمان ما می گذارد، ضمن اظهار امتنان و تشکر از همه رفقا و همه انبثائی که سازمان ما را در این امر مهم و ارزنده یاری نموده اند، اولین برنامه را در پیش خود را آغاز می کنیم. ما از کارگران انقلابی و کتبه هواداران سازمان می خواهیم با ارسال منظم اخبار و گزارشات و پیشنهادات خود، ما را در هرچه پویاتر کردن برنامه های راه یواری نمایند. فضای هرچه بیشتر این برنامه ها در گسرو برخوردار هرچه فعالتر شمایند. راه یواری فدائی فدائی باید در پیش و همراهمبا نشریات کارگران سراسری سازمان و دیگر نشریات محلی، رشد و گسترش جنبش تودمهای مردم ایران را سازمان دهد. صفوف آنها متشکل نماید و خیزش های نوین انقلابی گویی را هرچه بیشتر در این زند. ارتباط آنها را با یک دیگر برقرار سازد و حوزه های کوچک ارتباط گوی را به شبکه

انبوهی از سیستم ارتباطی تبدیل کند. اخبار و گزارشات مبارزات برانگیز مردم را بطور منظم و بوقوع به یک جنبش برساند و به سازمان همه پیکار انقلابی طبقه کارگران ایران را سازمان دهد و نمایان های حزب انقلابی نویسی را پی افکند که میلیون و میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشان سراسر ایران را در یک قیام سراسری علیه رژیم جمهوری اسلامی سازماندهی و هدایت نماید. ما قطعاً پیروز خواهیم شد.

هیئت تحریریه صدای فدائی



برنامه عمل

سازمان را

بهر طریق ممکن

بمیان توده ها بپريد!

بخش نشریات...

حادث است پیروزه در ماههای اخیر که حرکات و اعتراضات کارگران و معنی بیشتر یافته است کنترل مزد و روان رژیم در مقابل کارخانه ها شدت بیشتری گرفته است. در بسیاری از کارخانه ها و مراکز علاوه بر کارگران مزد و دستمزد، راهبهای خروبی کارخانه را به یک راه که قابل کنترل باشد سعی می کنند بعنوان مثال در مقابل کارخانه تولید اود بعد نیال چند بخش موفقیت آمیز، اطاقک نگهبان در سردر کارخانه تعبیه شده و راهبهای خروبی کارخانه سعی می کنند شده است و مواردی از بازجویی پس از بخش نیز در کارخانه ها مشاهده شده است.

برای مقابله با سیاستهای بازدارنده رژیم ضروری است که اولاً حجم اوراق تبلیغی کم بوده و به راحتی قابل حمل و نقل باشد. در این رابطه اقدامی که صورت گرفت عبارت از این بود که از این هر حجم ضمیمه خبری از ۱۰ صفحه یعنی دو برگ شامل بهم تجاوز نکند. اما دفعات انتشار آن افزایش باید. به این ترتیب ضمیمه خبری کار ۱۸۵ در دو شماره انتشار یافت. در صورت حجم بودن نشریه مثلاً و برنامه ها، که تبلیغاتی خانگی امکان پذیر است زیرا که بعد لیل حجم زیاد حمل و نقل آن توسط تودمها ممکن نیست و هم پست کردن، یک نشریه ۱۰ صفحه ای امکان رسیدن آنرا مقصد کاهش می دهد. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، ساله بازرس نامه های پستی در کارخانجات است. از اینرو پست سرخ باید مستقیماً با شناسائی قبلی از محل سکونت کارگران برایشان ارسال کرد.

خلفهای سراسر ایران



امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن عموم کارگران و زحمتکشان و خلفهای تحت ستم سراسر جهان است. امپریالیسم، ایران را به یک کشور تحت سلطه و وابسته تبدیل نموده است. سازمان حرکت‌های فدائی خلق ایران که علیه امپریالیسم و سلطه آن پیکار میکند، در برنامه خود برای برانداختن سلطه امپریالیسم و قطع هرگونه وابستگی پیوسته آن، حواهان ملی کردن کلیه سرمایه های بزرگ داخلی، ملی کردن کلیه سرمایه های متعلق به انحصارات بین المللی، ملی کردن بانکها و ملی کردن تجارت خارجی و اعمال کنترل کارگری بر تولید و توزیع و حواستار امضاء کلیه قرارداد های اسارتبار است. هنگام با مبارزه برای دموکراسی، مبارزه علیه امپریالیسم و سلطه آنرا تشدید کنید. نباید یاد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی سازمان حرکت‌های فدائی خلق ایران

ساخت اقتصادی...

فوق الذکر از وامی بمیزان ۲ میلیارد ریال بهره‌مند شدند. بهرحال، علیرغم تمامی این تسهیلات و امتیازات، این کنت و صنعتپار راواشل دهه ۱۳۵۰ یعنی قبل از رسیدن به مرحله بهره‌برداری کامل، ورشکست شده و دولت ظاهراً مجبور شد عهددار اداره این شرکت‌ها شود. غیر از شرکت‌های کنت و صنعت کارون و هفت تپه خوزستان، مخان در آذربایجان و برخی دیگر هم زمان با آغاز جنبش انقلابی در سال ۱۳۵۷ تأسیسات شرکت‌های کنت و صنعت (خصوصاً در خوزستان) مورد هجوم روستائیان قرار گرفت. بعنوان مثال، کنت و صنعت‌های بین‌الطریق فوق‌الذکر، کلاً از میان رفته، زمین‌های آنان تقسیم شد و نجیبزادگان به‌عنوان گوناگون از میان رفت.

خلاصه کنیم - در این مقاله مجموعه شیوه‌های تولید و قسرندهی دهقانان در روستاهای ایران بطور اجمالی بررسی شد. و تصویر از ساخت اقتصادی - اجتماعی روستاهای ایران قبل و بعد از اصلاحات ارضی بدست داده شد و روند گذار از اولی به دومی تشریح شد. در دوره قبل از - اصلاحات ارضی، در شیوه تولید فتودالی و داری بگونه‌ای بهم‌آمیخته بر روستاها می‌بود. شیوه تولید فتودالی (باتوجه به دامخنگش با شیوه تولید سرمایه‌داری) وجه مسلط اما میرنده و شیوه تولید سرمایه‌داری وجه پویا و رویشنده ساخت اقتصادی روستاها را تشکیل می‌داد. بدین طریق بخش عمده‌ای از ارزش تولید شده توسط تولیدکنندگان بلاواسطه بصورت بهره مالکانه که مزارع (بهره‌جنسی متغیر) وجه غالب آن بود، بدست استثمارکنندگان می‌رسید. اگرچه توسعه سرمایه‌داری در ایران حدوداً از یک دهه قبل شروع شده بود، لیکن حاکمیت دولت فتودالی و سپس نیمه فتودالی (با مشخصه فتود شدیدی ناپهنگان سیاسی فتود الیسم در حکومت) وسلطه استعماری امپریالیسم، دوران گذار از فتود الیسم به سرمایه‌داری را طولانی و بطئی ساخت و ساختارگذاری با مشخصه مجموعه بهم‌آمیخته از شیوه تولید فتودالی و سرمایه‌داری را جان سخت نمود. اما زمین‌هایی که توسعه سرمایه‌داری فراهم نموده بود، به‌علاوه بحران اقتصادی - سیاسی اوایل دهه ۱۳۳۰ که اساساً تناقضات روبه‌تکامل ساختارگذاری را منعکس می‌نمود، لزوم تغییر در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه که محور آنرا اصلاحات ارضی تشکیل می‌داد را بیش از پیش ضروری گرداند. لزوم این تغییر نه تنها با سیاست‌های نو استعماری امپریالیسم هم خوانی داشت، بلکه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بنظر از زمان برداشتن موانع فتودالی تسلط سرمایه -

داری وابسته بر ایران و اقدام ارگانیک آن در سرمایه‌داری جهانی و همچنین تثبیت قدرت دولتی و از میان برداشتن زمینهای جنبش‌های رهائی بخش ضد استعماری ضد فتودالی و از این طریق مقابله با کونینسم و جنبش‌های (بالقوه) توده‌ای، رژیم را جهت تغییرات مورد نظر خود تحت فشار قرار داد. بدین ترتیب در خلاه یک جنبش انقلابی - دموکراتیک، شیوه ارتجاعی - بورژوازیستیک حل تناقضات دوران گذار بر جامعه مسلط شد که در محور آن اصلاحات ارضی امپریالیستی قرار داشت.

برنامه اصلاحات ارضی طی چندین مرحله مورد اجراء آمد که در یک شماری عمومی، هر مرحله از یکسو با براندازی طبقاتی و از سوی دیگر با توسعه سرمایه‌داری و رویه انحصار گذار در سرمایه حاکم انطباق نسبی داشت. با اجرای این مراحل چند نتیجه حاصل شد: اولاً نیروی کار برای صنایع و بخصوص کارهای غیر تخصصی (مانند ساختمان و جادسازی و...) از دهقانان خط‌پد شده فراهم آمد؛ ثانیاً در روستاها شرایطی نسبتاً مناسب برای سرمایه‌داری پدید آمد که همزمان با رشد سرمایه‌انحصاری و تدوین امکانات بیشتری در اختیار سرمایه‌دارها قرار گرفت؛ ثالثاً عرضه کالا‌های کشاورزی در مراکز شهری گسترش یافت بطوری که اغلب روستائیان با بازار ارتباط برقرار کردند و بدین ترتیب تولید کالای در روستاها گسترش یافت؛ رابعاً کالا‌های ساخته شده در مراکز شهری به روستاهای دور و نزدیک نفوذ کرد و بدین ترتیب بازار داخلی مصنوعات صنعتی گسترش نسبی یافت.

از نقطه نظر شکل‌بندی طبقات، اصلاحات ارضی تحولات اقتصادی پس از آن، قسرندهی روستائیان را شدیداً تقویت کرد که مهترین نتیجه آن از یکسو گسترش سریع و وسیع کارگران نیمه‌بهره‌لرهای روستایی بود و از سوی دیگر بورژوازی روستا و نیوسر سرمایه‌داری آن کشاورزی تقویت‌شده و اقدام استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی در رکاشت، داشت و برداشت کردند.

اصلاحات ارضی بورژوا - امپریالیستی دهه ۱۳۴۰ مناسبات سرمایه‌داری را در روستاها مسلط کرد و آنرا گسترش داد، اما این گسترش ناموزون بود. بطوریکه درجه توسعه سرمایه‌داری در مناطق مختلف شدت تفاوت بوده و حتی در یاری‌های از نقاط بقایای فتود الیسم همچنان بر روستاها سنگینی می‌کند (کردستان، سیستان و بلوچستان). به‌علاوه بعلمت تسلط راه پروس توسعه سرمایه‌داری، اصلاحات ارضی بی‌معنای تجدید و تعدیل مالکیت زمین و درآمد ناشی از آن، عملکردی نیافت و به دلیل مجموعه‌ای از عوامل که در رأس آن براندازی طبقاتی قرار داشت، چنین هدفی را اصولاً دنبال نمی‌کرد. و بالاخره بعنوان نکته خاتمه باید توجه داشت که توسعه سرمایه‌داری و قطب بندی شده طبقات در روستاها بمعنای افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی (باتوجه

به درجه توسعه سرمایه‌داری و بهره‌وری از زمان) و تأمین انواع محصولات کشاورزی این از غذائی و یا صنعتی از داخل نبود، بلکه برعکس، از یکسو به دلیل گسترش سریع شهرنشینی و توزیع درآمدهای هنگفت نفت به جامعه (خصوصاً مراکز شهری) شرایط فراهم آمد تا تقاضای انواع محصولات کشاورزی سرچشمه از عرضه این محصولات افزایش یابد؛ و از سوی دیگر پائین بودن نرخ سود در بخش کشاورزی، در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری در این بخش را کند می‌کرد. این مشخصه بخش کشاورزی در ایران پس از اصلاحات ارضی، بویژه بعد از افزایش قیمت نفت بارزتر شد.

رژیم شاه بخش عظیمی از درآمدها حاصله از نفت را به جامعه توزیع کرد و این امر بویژه از طریق رونق‌فزايند صنایع ساختمانی، موجب افزایش شدید تقاضای نیروی کار شد. این افزایش از یک سو سطح دستمزدها در مراکز شهری و در نتیجه گسترش روند مهاجرت روستائیان به شهرها را در پی داشت. اختلاف سطح درآمد در شهر و روستاها باعث ازدهای زیاد شده که منجر به از روستائیان خرید ماکار کشاورزی خود را رها کرده و به همراه کارگران کشاورزی در شهرها به کارگری پرداختند. فرار نیروی کار جوان و فعالی از روستاها در نتیجه افزایش دستمزدها و این مراکز با تثبیت نسبی قیمت کالا‌های کشاورزی همراه بود. مجموعه این عوامل موجب کاهش نسبی نرخ سود در کشاورزی و در نتیجه رکود این بخش اقتصادی شد که این خود بر فرار سرمایه و نیروی کار از بخش کشاورزی شدیداً اثر امن می‌زد.

بهرحال، باتوجه به آنچه که مختصراً در ساخت اقتصادی روستاها و قسرندهی دهقانان بیان شد، و باتوجه به رونق دهه‌های دهقانی پس از قیام بهمن ماه که در مقاله "سوی برساله ارضی" ارائه شد، مشاهده می‌شود که مساله ارضی بشاه از میان برداشتن مناسبات تولید ماقبل سرمایه‌داری و بسط مناسبات سرمایه‌داری اساساً و من حیث المجموع تحقق یافته است. با این وجود بطوریکه مشاهده شد معضلات بخش کشاورزی و مسائل دهقانی همچنان پابرجا است.



پیام هیئت تحریریه صدای فدائی:

آغاز فعالیت صدای فدائی و طولانی شدن دوره آزمایشی

سازمان پیشتاز طبقه کارگر ایران، بسیار سرفرازیم تنها سازمان سیاسی ایران بودیم که با استمرار کامل انتشار یک نشریه سراسری، در سخت ترین و خفقان آمیز ترین شرایط پلیس، این ارتباط را حفظ کرد و بدین شکل منسجم تری بدین مأموریت اما علی رغم این تلاش، اختناق پلیس رژیم جمهوری اسلامی، که حتی با خشن ترین حکومت های فاشیستی هر قابل قیاس نبوده و نیست، مانع از آنست که نشریه کارگران سراسری سازمان بتواند به راحتی در اختیار توده وسیع مردم و بویژه توده طبقه کارگر ایران قرار گیرد. از اینرو ایجاد یک مرکز راد پوزی به مثابه ارگان ارتباطی سازمان با توده های انقلابی به یک امر اجتناب ناپذیر تبدیل شد و از اولین ماه های سال ۶۰ یعنی از همان اولین روزهای آغاز انتشار آشکار و علنی رژیم به سازمان های انقلابی و جنبش توده مردم، در دستور کار سازمان قرار گرفت اما شرایط سخت اسفند ماه ۶۰ مشکلات ناشی از آن، اقدامات پلیس برای تاسیس راد پوزی نیم کاره گذاشت و همه انرژی سازمان، روی سازماندهی مجدد و انتشار منظم نشریه کار به مثابه اهمیت نقش سازمانتران متمرکز گردید.

سازمان پس از یافتن آمدن به روشکلات ناشی از ضربات اسفند ماه، مجدداً - فعالیت جدیدی را برای ایجاد راد پوزی آغاز کرد و علی رغم همه دشواری های فنی و مشکلات مالی، اولین فرستنده راد پوزی سازمان بویژه به مأموریت سازمان به صورت آزمایشی در اوایل سال گذشته شروع به کار کرد. اما متأسفانه بدلیل همان ضعف مالی، دوره آزمایشی راد پوزی بسیار طولانی شد و نتوانست برنامه های عادی خود را سر به راه آغاز نماید. هر چند در طی تمام این مدت، تنها و فقط با جدیت و پشتکار دائی رفقای فنی راد پوزی، صدای آزمایشی از طریق نایستاد ولی ابزار و وسائل ضروری برای استقرار دائم بقعه در صفحه ۱۵

بزرگترین رویداد های جهان مطلع کنیم و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی، با شد بدترین فشار و خفقان، با تهور و تهور باران و شکجه با وحشیانه ترین شیوه سرکوب پلیسی، حداقل ارتباط میان مبارزه انقلابی توده های مردم را بسیار دشوار کرده است، شماراد رجریان اخبار مبارزات جنبش های انقلابی منطقه ای و جنبش های وسیع محلی قرار داده و به تراز همه اختصایات کارگری کارخانجات عظیم صنعتی به مثابه سنگ بنای پیروزی انقلاب ایران قرار دهد. اما این همه کافی نیست، هیچ جنبش محلی، هیچ اعتراض پرکننده و هیچ اعتصاب منفرد کارخانه ای ضربه نمی تواند کارگران و زحمت کشان انقلابی ایران را به پیروزی عظیم خود برساند و این همه بدون تشکر، بدون ایجاد ارتباط عمیق و بدون سازماندهی واقعی آن ممکن نخواهد گشت. پیروزی مادر گروه سازماندهی و تشکر ماست. ما به مثابه

کارگران، زحمت کشان، مردم رزنده و انقلابی ایران! از مدت های پیش سازمان چریک های فدائی خلق ایران، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری دموکراتیک را که در آن حد اکثر آزادی های سیاسی اجتماعی مردم زحمت کش منهن ما تامین شده باشد، به مثابه وظیفه فوری سیاسی در دستور کار خود قرار داده است. این وظیفه، امروز با پدید آید جریتهای پولاد جنبش توده های در تهران و بعضی شهرهای بزرگ ایران هر چه بیشتر برجسته شده است. ما بسیار سرفرازیم که در چنین شرایط پر فروغی می توانیم صدای خود را به گوش شما کارگران آگاه و انقلابی، زحمت کشان مبارز و همه مردم بیدار و آزاد بخوانیم ایران برسانیم. ما بسیار خوشوقتم از اینکه می توانیم در این لحظات حساس تاریخی، شمارا از جریان واقعی اخبار ایران و

یادداشتهای سیاسی


اجرای قوانین قرون وسطائی بانکداری پیشرفته

شرایطی که فقر و فلاکت بیدار می کند و به همین دلیل نیز دزدی و سرکشی افزایش چشمگیری یافته است، این سرپرست مزدور پلیس قضائی با وقاحتی وحف ناپذیر در مورد افزایش سرکشی و سارقین می گوید: " تصور نمی کنم که در جمهوری اسلامی کسی باشد که در رابطه با تشبه نان و یا پوشاک و یا چیزهای دیگر این کار را انجام دهد." زهی وقاحت و بی شرمی!!

در حالیکه بیشترین دزدی ها، کلاه برداریها، اختلاسها و... توسط سردمداران و مقامات بالای حکومتی صورت میگیرد اما دزدان خرد میا همواره به دام می افتند و از این پس شاهد آن باشیم که با یکار افتادن مأمورین بخش هر روز برخی معلولان جامعه افزوده کرد و شاید که این مهر و نشان جمهوری خون و جنایت اسلام پناهان بیش از پیش رسوایشان سازد.

از مدت های پیش که قانون ارتجالی قصاص مورد تصویب رژیم قرار گرفت، اجرای "حد شرعی" سرق که عبارت از بریدن دست بود در دستور کار جلاوران خمینی قرار داشت. مواردی بسیار نیز به مرحله اجرا درآمد. اما اخیراً جمهوری اسلامی موفق شده است تا این عمل جنایتکارانه را با توسل به ابزارهای مدرن علمی سازد بطوریکه در کیهان ۳۰ آبانماه، سرپرست پلیس قضائی اعلام کرده است: " پلیس قضائی وسیله ای بنام ماشین برش برای قطع دست سارقین که بسیار سریع عمل می کند آماده کرده است." این وسیله جدید قطع دست بنابه گفتن سرپرست پلیس قضائی، مورد نظر خیرخواهی مراجع " اصلاحی" نیز گویا قرار گرفته است از جمله پزشکی قانونی و وزارت بهداشتی، دانشگاه های پزشکی دانشگاه تهران و دانشگاه بهشتی در مورد آن نظر داده اند. در

کردستان انقلابی...



در صفحه ۱۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق